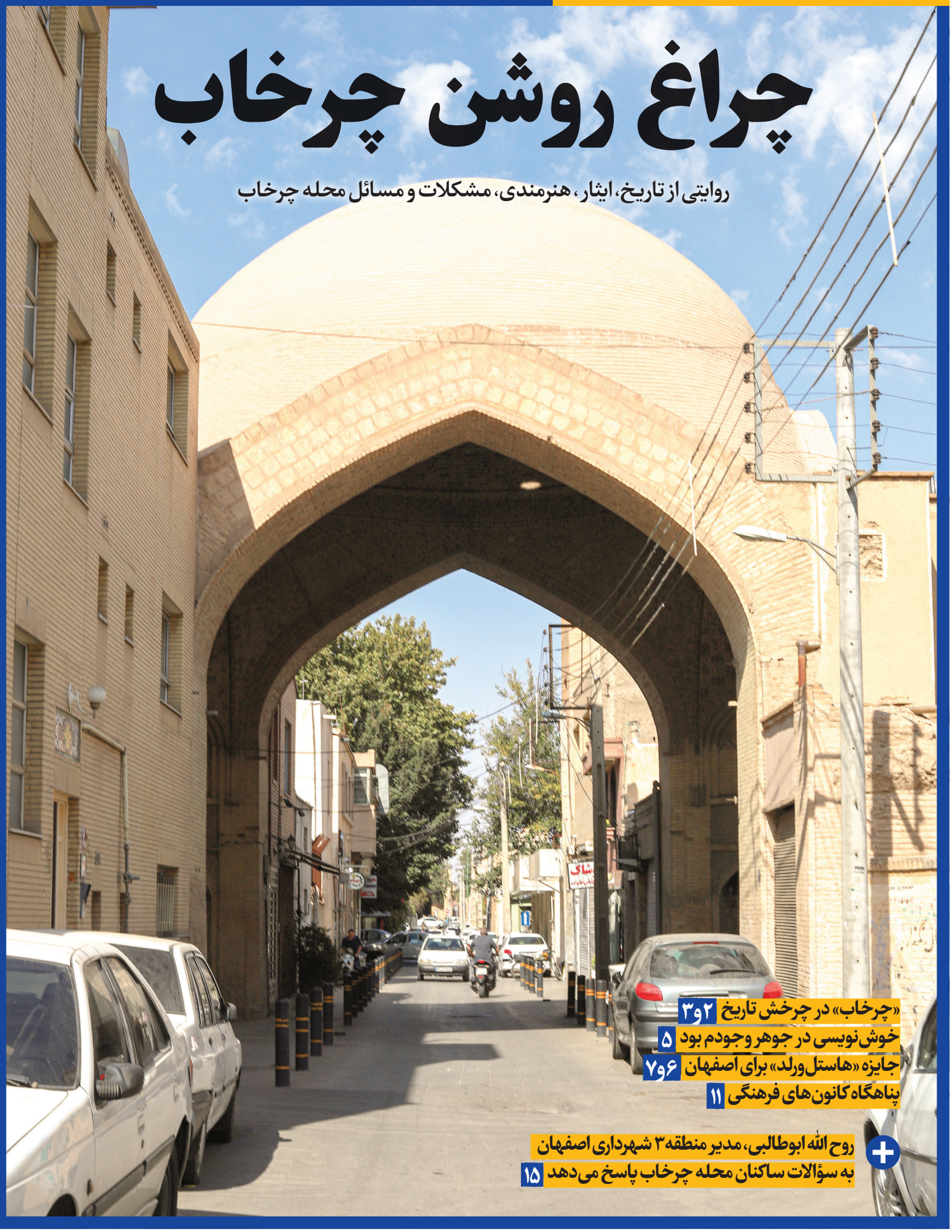
دوره جدید - شماره شصت و هفتم
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - آبان ۱۴۰۵ - هفته دوم

همه محله

چراغ روشن چرخاب

روایتی از تاریخ، ایثار، هنرمندی، مشکلات و مسائل محله چرخاب

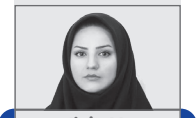


عکس از کوثر رحیمی

«چرخاب» در چرخش تاریخ ۲و۳
خوش‌نویسی در جوهر وجودم بود ۵
جایزه «هاستل‌ورلد» برای اصفهان ۶و۷
پناهگاه کانون‌های فرهنگی ۱۱
روح‌الله ابوطالبی، مدیر منطقه ۳ شهرداری اصفهان به سؤالات ساکنان محله چرخاب پاسخ می‌دهد ۱۵

«چرخاب» در چرخش تاریخ

بیان خاطرات نهفته در محله‌ای اصیل که از تاریخی کهن حکایت دارد



سارا حفیظی

محلـه چرخـاب بـا نـام تاریخـی‌اش، یکـی از مناطـق مهـم اصفهـان است که در منطقه ۳ قرار دارد. چرخاب از آن دست محله‌هـای اصیـل، پرخاطـره و در عیـن حـال پرفرازونشـیب اصفهـان اسـت کـه شـاید نامـش امـروز کمتـر به‌عنـوان یـک محلـه مسـتقل بـر سـر زبان‌هـا باشـد؛ امـا ریشـه‌ای عمیـق در تاریخ شـهر دارد. چرخاب به‌نوعی پیونددهنده بافت تاریخی صفـوی بـا جریـان زندگـی امـروز اسـت. مادی‌هـای اصفهـان نقش بسیار پررنگی در زندگی مردم این دیار دارند و حتی در نام‌گـذاری مکان‌هـا تأثیـر زیـادی داشـته اسـت.

وجه تسمیه «چرخاب»



نـام «چرخـاب» نیـز داسـتان جالبـش را از همیـن مادی‌هـا و به‌ویـژه مـادی «نیاصـرم» گرفتـه اسـت:

«ایـن محلـه در امتـداد و مسـیر مـادی نیاصـرم شـکل گرفتـه اسـت. در گذشـته، سـطح بسـتر آب جـاری در ایـن مـادی نسـبت بـه زمین‌هـای کشـاورزی اطـراف پایین‌تـر بـود. چـون آب بـه زمین‌هـای زراعـی نمی‌رسـید، کشـاورزان و باغـداران از چرخ‌هـای آب‌کشی (چرخاب) بـرای بالاکشـیدن آب از چاه‌هـا و مـادی اسـتفاده می‌کردنـد تـا مـزارع و باغ‌هـای ایـن ناحیـه سـیراب شـوند؛ به‌همین‌دلیل، ایـن منطقـه بـه مـرور زمـان بـه نـام چرخـاب معـروف شـد.»

امـا بـا کم‌شـدن جریـان آب زاینـده‌رود، مادی‌هـا نیـز بـه مـرور خشـک شـدند و رشـد سـریع شهرنشـینی، باغ‌هـا و اراضـی کشـاورزی ایـن محـدوده جـای خـود را بـه سـاختمان‌های مسـکونی، تجـاری، هتل‌هـا و مراکـز خدماتـی امـروزی دادنـد. با ایـن حـال هنـوز نشانه‌هایی از هویت تاریخی در ایـن محله پابرجاست.

چرخاب محله وسیعی است؛ در این گستره، تاریخ و مدرنیسم در هـم آمیختـه اسـت. حمام‌هـا، مسـاجد و خانه‌هـای تاریخـی در کنـار هتل‌هـا و فروشـگاه‌ها و خانه‌هـای امـروزی بـه گونـه‌ای در کنـار هـم قـرار گرفته‌انـد کـه هنـگام عبـور از یـک کوچـه قدیمـی بـا خانه‌هایـی از دیوارهـای کاهگلـی و سـیمانی و نورگیرهـای بلنـد، بـه خیابانـی می‌رسـی کـه خانه‌هـای مجلـل، هتل‌هـا و فروشـگاه‌هایی بـا معمـاری امـروزی تناقـض سـاختار ایـن محلـه را نمایـان می‌کنـد.

وجـود درختـان کهن‌سـال سربه‌آسـمان‌سـاییده نیـز یادآور روزگار بـدون دودودم و ترافیکـی اسـت کـه خیابان‌هـای خاکـی، ایـن محلـه را بـه رودخانـه زاینـده‌رود می‌رسـانده‌اند؛ خیابان‌هایـی کـه حـالا بـه دلیـل مجـاورت بـا مراکـز تجـاری‌اداری و درمانـی بـا شـلوغی و هیاهـو و ازدحـام روبه‌روسـت.

محلـه چرخـاب از نظـر جغرافیایـی در منطقـه‌ای اسـتراتژیک واقـع شـده. وقتـی در حاشـیه‌های ایـن محلـه قـدم می‌زنیـد، بـا چنـد شـریان اصلـی روبـه‌رو می‌شـوید:

چهارباغ عباسی در غـرب، مـرز محلـه اسـت کـه آن را از محلـه عباس‌آبـاد جـدا می‌کنـد؛ مـرزی باشـکوه کـه پیونـد چرخـاب بـا پیاده‌راهـی اسـت کـه هـر اصفهانـی و گردشـگری حداقـل یک‌بـار قـدم‌زدن در آن را تجربـه کـرده.

خیابان‌های آمادگاه و فلسطین در شمال محله پاتوق فرهنگی و درمانـی شـهر اسـت. راسـته کتاب‌فروشـی‌ها، گالری‌هـا، کافه‌هـا، مجتمع‌هـای پزشـکی و سیسمونی‌فروشـی‌ها کـه نبض اقتصادی، فرهنگی و درمانی چرخاب را در دست دارند.

در شـرق، میـان محله‌هـای چرخـاب و خواجـو مـرز باریکـی قـرار دارد کـه ایـن بخـش از محلـه بـا اماکـن تجـاری و اداری پرتـردد معرفـی می‌شـود.

جنـوب چرخـاب نیـز بـه خیابـان کمال‌اسـماعیل و زاینـده‌رود می‌رسـد؛ از پـل فردوسـی تـا ابتـدای چهارباغ خواجـو. ایـن بخـش از محلـه بـا منظره‌ای از حیـات و طـراوت و البتـه وجـود راسـته موبایل‌فروشی‌ها مرکزی است کـه اقتصاد را بـا فضـای سـبز و درختـان کنـار زاینـده‌رود بـی‌آب عجیـن کـرده.

دگرگونی‌های بافت تاریخی



در دل ایـن محلـهٔ چکمه‌ای‌شـکل، کوچه‌هـای باریـک و پیچ‌درپیـچ بـا دیوارهـای کاهگلـی، آجـری و سـیمانی، درهـای چوبـی و زنگ‌هـا و پلاک‌هـا بـا شـماره‌های قدیمـی، هنـوز گواهـی می‌دهنـد کـه اینجـا روزگاری بافتـی کامـلا مسـکونی داشـته و بعدها بـه دلیـل وجـود گردشـگران داخلـی و خارجـی و نزدیکـی آن بـه مراکـز مهـم شـهر، هتل‌هـا و مراکـز تجـاری دیگـر بـه آن افـزوده شـده اسـت. چرخـاب امـروز یکـی از قطب‌هـای اصلـی گردشـگری اصفهـان اسـت؛ چـرا کـه مهم‌تریـن و لوکس‌تریـن زیرسـاخت‌های اقامتـی شـهر در دل یـا حاشـیه ایـن محلـه جـای گرفته‌انـد.

عـلاوه بـر هتل‌هـای قدیمـی ایـن منطقـه از شـهر، هتل‌هـای لوکـس و چندسـتاره نیـز بـا سـاختمان‌هایی چشـم‌نواز و پرزرق‌وبـرق بـه تازگـی افتتـاح شـده اسـت.

گنبد ۶۰۰ساله



در خیابـان فلسـطین، کوچـه «چهارسـو نقاشـی» گنبـدی قـرار دارد کـه متعلـق بـه ۶۰۰ سـال پیـش اسـت. بـه نقـل از روزنامـه «اصفهـان زیبـا»: «جایـی کـه امـروزه بازارچـه حسـن‌آباد در خیابان فرشـادی آغـاز می‌شـود، دروازه جنوبـی اصفهـان جـای داشـته کـه از دو سـو بـه بـازار و گورسـتان بکتـاش می‌رسـیده اسـت. راسـته جنوبـی ایـن بازارچـه کـه هنـوز برجاسـت، بـه نقش‌جهـان منتهـی می‌شـود. ایـن گنبـد بـه چهارسـو نقش‌گیـری یـا چهارسـو نقاشـی شـهرت دارد؛ بازمانـده‌ای از بـازار قدیـم اصفهـان در بیـرون دروازه‌هـای شـهر. هرچنـد چهارسـو نقاشـیِ اصلـی در روزگار ظل‌السـلطان ویـران شـد، ایـن چهارسـوی برجای‌مانـده، یـادگاری اسـت از آن روزگار کـه راسـتای تاریخـی بـازار اصفهـان، خیلـی پیـش از صفویـه، از همیـن محلـه آغـاز می‌شـده و بـه دروازه طوقچـی در شـمال می‌رسـیده اسـت. میـرزا حسـین‌خان تحویـل‌دار در کتـاب "جغرافیـای اصفهـان" نوشـته: "چهارسـوق نقاشـی کـه طـاق آن چهارسـوق گنبـدی اسـت رفیـع و وسـیع، در زیـر طـاق، چهـار طاق‌نمـا دارد، مصـور بـه تصویرهـای بی‌نظیـر کارهـای نقاشـان بـزرگ زمـان پیـش کـه مجالـس حضـرت یوسـف و صورت‌هـای پهلوانـان دوره شـاه‌عباس را چنـان کشـیده‌اند کـه در ایـن اوان هیـچ مصـوری از عهـده آن بـر نمی‌آیـد." اسـتاد همایـی نیـز یادآور می‌شـود کـه تـا همیـن یک‌صـد سـال پیـش، در بـاغ توتـیِ کنـار ایـن چهارسـو، آرامگاهـی بـا نـام و نشـان حسـن پاشـا وجـود داشـته (بـه گفتـه شـاردن، گـور اوزون حسـن آق‌قویونلـو بـوده؛ هرچنـد بـا توجـه بـه آرامـگاه اوزون حسـن در تبریـز، ایـن گـزارش درسـت نمی‌نمایـد) کـه دسـتان غارتگـر نابـودش کـرد و شناسـنامه محلـه حسـن‌آباد را بـا خـود بـرد.»

بـه گفتـه یکـی از کاسـبان خیابـان فلسـطین کـه لبـاس بچگانـه می‌فروشـد، ایـن گنبـد بخشـی از بازارچـه‌ای بـوده کـه ورودی شـهر محسـوب می‌شـده و مسـافران از ایـن محـل وارد شـهر می‌شـده‌اند.

مجتبـی خواجـه می‌گویـد: «چهارسـو اصـل و مرکزیتـش دقیقـا در همیـن نقطـه میانـی بـوده؛ یعنـی سـتون اصلـی بنـا درسـت در همیـن مغـازه فعلـی مـا قـرار داشـت. بـه مـرور زمـان بخش‌هایـی از آن تخریـب شـد و ماکتـی از طـرح اولیـه به‌جـای آن آمـد. اینجـا در واقـع سـردر ورودی مسـیر قدیـم اصفهـان بـوده کـه مسـافران را بـه داخـل شـهر هدایـت می‌کـرده.»

او بـا اشـاره بـه گنبـد موجـود در کوچـه چهارسـونقاشی می‌افزایـد: «ایـن اثـر قدمـت بسـیار زیـادی دارد و ثبـت جهانـی و یونسـکو اسـت. وجـه تسـمیه آن بـه چهارسـو نقاشـی نیـز بـه وجـود تابلوهـا و نگاره‌هـای نقاشـی در بخـش پایینـی و زیـر گنبـد بازمی‌گـردد کـه بخش‌هایـی از آن آثـار نقاشـی هنـوز هـم به‌وضـوح دیـده می‌شـود و پابرجاسـت.»

از خیابان شاه‌عباس خاکی تا فلسطین



در خیابان فلسطین که به گفته اهالی این منطقه در گذشته به شاه‌عباس و یا شاه‌عباس خاکی معروف بوده، خانه‌هایی وجود دارد که نقش و نگار و ظاهر آن‌ها از قدمت و اصالتش خبر می دهد. خواجه درباره این خانه‌ها می‌گوید: «این سردرها بسیار باقدمت هستند؛ روی یکی از سردرهای فوقانی همین خانه مجاور بیتی با مضمون «بهرام گور» نقش بسته است؛ همچنین سقاخانه‌ای در کنار آن قرار گرفته و دری قدیمی دارد. این خانه متعلق به مرحوم دکتر برجیان است که از پزشکان عمومی قدیمی، خوش‌نام و سرشناس این خطه بودند و سال‌هاست به رحمت خدا رفته‌اند. پس از فوت ایشان و درگذشت ورثه، خانه متأسفانه بدون سرپرست رها شد؛ حتی حدود دوسه سال پیش سارقان برای سرقت کاشی‌های تاریخی آن اقدام کردند که با اطلاع‌رسانی و تماس ما، سازمان میراث وارد عمل شد و کار مرمت و تثبیت کاشی‌ها را انجام داد.»

به گفته او، تعداد کلیمیان ساکن خیابان فلسطین زیاد است و در انتهای این خیابان کنیسه آن‌ها قرار دارد. بعد از انقلاب نام خیابان شاه‌عباس به فلسطین تغییر پیدا کرده و مسجد الاقصی نیز در این زمان ساخته شده است.

از این خانه‌های قدیمی و رهاشده در محله چرخاب بسیار دیدیم. برخی از این خانه‌ها بسیار وسیع‌اند و عموما خانه‌باغ‌هایی هستند با عمارتی در مرکز و درختان فراوان در اطراف آن که هنوز دیوارهای کاهگلی و نقش‌ونگارهای حک‌شده بر دیوارها نمای زیبای گذشته‌هایشان را جلوه‌گر می‌کند. خانه‌های کوچک‌تر با شیشه‌های شکسته و درهای زنگ‌زده، مهجورماندن خود را نشان می دهند.

نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌های محله



در محله چرخاب نام کوچه‌ها و خیابان‌ها نیز تاریخی در پی دارد. وجود کوچه‌ها و معابری با نام شاعران و بزرگان ادب و فرهنگ یکی از شاخصه‌های این محله است. برخی از کوچه‌ها نیز تاریخی طولانی به همراه دارند؛ مثل کوچه طاووس‌خانه که یکی از معابر نام‌آشنای بافت میانی محله است و در امتداد مادی نیاصرم قرار دارد. نام این کوچه ریشه در تاریخ صفوی و ساختار باغ‌شهری اصفهان دارد.

در دوره صفوی (به‌ویژه عصر شاه عباس دوم)، در دو سوی محور چهارباغ عباسی زنجیره‌ای از باغ‌های سلطنتی و پیوسته احداث شد. یکی از این باغ‌های شاخص در جبهه شرقی چهارباغ، «باغ طاووس‌خانه» بود که در منابع تاریخی (از جمله نقشه‌های ترسیمی مانند نقشه سلطان سیدرضاخان و مقالات حوزه تاریخ منظر چهارباغ) از آن به‌عنوان باغی وسیع (ضمیمه باغ پهلوان حسین) یاد شده که بیش از ۴۰ هزار ذرع مساحت داشته است. در این زمان، باغ‌هایی با کاربری‌های خاص مانند نگهداری پرندگان و حیوانات درباری یا به سبب تزیینات و جلوه‌های بصری خاص نام‌گذاری می‌شدند (همانند باغ قوشخانه، باغ بلبل یا باغ طاووس‌خانه). با افول صفویه و ورود به دوران قاجار و پهلوی اول، باغ‌های شرقی چهارباغ تفکیک و به بافت مسکونی و اعیان‌نشین تبدیل شدند؛ اما نام «طاووس‌خانه» روی این گذر و انشعابات آن در دل محله چرخاب ماندگار شد. پس از آن و در جریان توسعه شهر، این باغ‌ها تبدیل خانه‌های مسکونی حاشیه مادی شدند و به مرور هم به دفاتر کار، مراکز صنایع‌دستی یا کافه‌های مدرن که به خیابان‌های پاسداران و سیدعلی‌خان متصل هستند.

کوچه یداللهی نیز داستان خودش را دارد. به گفته یکی از کسبه خیابان فردوسی، پیش از اینکه این خیابان بورس لوازم برقی و روشنایی شود، خانه‌های اینجا بسیار بزرگ و با متراژهایی بیش از دوهزار متر بوده که یکی از آن‌ها به یکی از خوانین بختیاری به نام «یدالله‌خان» تعلق داشته. بعد از تخریب این خانه‌ها و ایجاد کوچه‌های جدید، کوچه‌ای را که از خیابان سیدعلی خان به خیابان فردوسی منتهی می‌شود به نام این خان بختیاری نام‌گذاری می‌کنند.

خود خیابان سیدعلی خان هم با دو روایت روبه‌روست. این خیابان که از چهارباغ عباسی (در نزدیکی میدان انقلاب) آغاز می‌شود، به سمت بافت تاریخی چرخاب و فتح‌آباد امتداد می‌یابد. در گذشته این خیابان به طور ممتد به خیابان فردوسی می‌رسید که بعدها با ایجاد خیابان پاسداران دو قسمت شد.

در گذشته، بخش‌هایی از این محدوده و مسیرهای مجاور آن با نام‌هایی چون «چهارسوق نقاشی و چرخاب قدیم» و همچنین «خیابان بی‌بی سکینه» (نام خانه‌ای قدیمی در نبش آن، که بعدها سیتی‌سنترهای اولیه چهارباغ در آن ساخته شد) خوانده می‌شد. درباره اینکه نام خیابان دقیقا برگرفته از چه شخصیتی است، سند قطعی و رسمی مکتوبی در دست نیست؛ اما در پژوهش‌های محلی دو روایت مطرح شده است: گاه نام سیدعلی‌خان را به بزرگانی چون سیدعلی‌خان مدنی شیرازی (ابن‌معصوم)، فقیه و محدث نام‌آور اواخر دوره صفوی (نویسنده کتاب ریاض السالکین) نسبت می‌دهند که در دوران شاه سلطان حسین به اصفهان آمد؛ هرچند هیچ سند مستقیمی مبنی بر نام‌گذاری این خیابان به نام او وجود ندارد. در روایت‌های مردم و برخی پژوهش‌های تاریخ محلی اصفهان به نقل از معمرین یا اسناد ثبتی، نام‌گذاری معابر بر اساس مالکان بانفوذ یا چهره‌های شاخص محلی در دوره‌های قاجار و پهلوی اشاره دارند.

در تاریخ معاصر (به‌ویژه دهه ۱۳۶۰ شمسی)، نام خیابان سیدعلی‌خان اصفهان در برخی خاطرات و اسناد سیاسی تاریخی به دلیل وجود برخی اماکن یا نهادهای وقت در آن محدوده نیز در حافظه جمعی شهر ثبت شده است. خیابان آمادگاه به‌عنوان یکی از زیباترین نمونه‌های معماری شهر اصفهان به شمار می‌رود. بزرگ‌ترین هتل موزه جهان (هتل عباسی) نمای زیبایی به فضای روبه‌روی خود داده که سال‌هاست پاتوق علاقه‌مندان به کتاب و هنر بوده. وجود حوزه هنری و کتاب‌فروشی‌های متعدد در ساختمانی با معماری خاص در بخش منتهی به چهارباغ عباسی و ساختمان‌ها و مطب‌های پزشکان در بخش منتهی به چهارراه فلسطین، این خیابان را به محلی پرتردد و شلوغ تبدیل کرده است. در سال‌های اخیر کافه‌ها و نورپردازی‌های زیبا نیز تصویر ویژه‌تری به این خیابان داده‌اند. درباره نام‌گذاری این خیابان مهراب فتحی، کارشناس تاریخ گفته است: «در این خیابان مهمان‌سرای عباسی قرار گرفته. این کاروان‌سرا توسط سلطان حسین صفوی ساخته شد و آن را وقف مدرسه چهارباغ کرد تا عوایدش برای نگهداری از مدرسه و معاش طلاب استفاده شود. اگرچه پس از گذر زمان و حمله افغان‌ها این کاروان‌سرا به یک خرابه تبدیل شد؛ اما در زمان ظل‌السلطان این بنا را مرمت کردند و مکانی برای آمادگاه پادگان سواره‌نظام حاکم اصفهان شد که نام خیابان فعلی آمادگاه برگرفته از همان دوران است. بازار هنر امروزی نیز به‌تبع آن تبدیل به طویله اسب‌های سربازان شده بود؛ به همین دلیل خیابان مجاور این بنا را امروزه آمادگاه می‌نامند.»

خیابان فردوسی نیز به گفته اهالی محله، تا سال‌ها به نام ستاری معروف و چهارراه فردوسی نیز به این نام بوده است. دلیل این نامگذاری نیز وجود حمام و مسجد ستاری در این خیابان است که توسط یکی از اهالی متمول و متدین به نام حاج عباس ستاری ساخته شده بود. اشاره به مکان‌های دیدنی محله چرخاب نیز خالی از لطف نیست؛ اماکنی که اهالی اصفهان در هر نقطه ای از شهر خاطراتی را از آن‌ها دارند.

برخی از اماکن شاخص محله

سینما خانواده (پردیس سینمایی چهارباغ)



روزگاری است این سینما چراغ فرهنگ و هنر شهر را روشن نگه داشته. سینما خانواده جایگاهی ویژه در خاطرات سینمادوستان دارد؛ سینمایی که بعد از تغییراتی که در آن ایجاد شد با عنوان پردیس چهارباغ به کار خود ادامه داده است. این سینما در سال ۱۳۵۰ روبه‌روی هتل عالی‌قاپو در چهارباغ عباسی تأسیس شد. در آن زمان سینمایی تک‌سالنه بود که گنجایش حدود ۴۶۰ صندلی را داشت. پس از سال‌ها فعالیت و فرسودگی ساختمان و تجهیزات، مؤسسه بهمن سبز طرح بازسازی این سینما را در سال ۱۳۹۵ آغاز کرد. این مجموعه در سال ۱۳۹۶ افتتاح شد و سالن‌های آن با الهام از هویت تاریخی و فرهنگی اصفهان و با نام‌های نقش جهان، چهلستون، چهارسوق و شیخ بهایی شروع به کار کردند.

دبیرستان هراتی



سنگ‌بنای این مدرسه در سال ۱۳۳۰ خورشیدی به همت و سرمایه زنده‌یاد محمد شیخ‌زاده هراتی یزدی (تاجر و نیکوکار یزدی‌تبار) گذاشته شد و پس از سه سال تلاش، در مهرماه ۱۳۳۳ با مدیریت دکتر احمد مهران به‌طوررسمی گشایش یافت. این مجموعه سال‌ها به‌عنوان دبستان و دبیرستان فعالیت می‌کرد و امروز نیز یکی از برترین دبیرستان‌های نمونه دولتی اصفهان در رشته‌های ریاضی و تجربی فعالیت دارد. بنای دوطبقه دبیرستان هراتی در زمینی نزدیک به ۸ هزار و ۷۰۰ مترمربع ساخته شده است. ویژگی منحصربه‌فرد این اثر، نمای آجری هنرمندانه همراه با کاشی‌کاری‌های ظریف و چشم‌نواز در پیشانی و قاب‌بندی‌های بناست که به دست استاد محمدعلی مقصی (از استادان برجسته کاشی‌کاری اصفهان و مرمت‌گر بناهای تاریخی) اجرا شده است. تلفیق معماری مدرن دهه‌های آغازین پهلوی دوم با هنر اصیل اصفهان، این دبیرستان را به شاهکاری میراثی تبدیل کرده. ساختمان این دبیرستان در فهرست آثار ملی استان ثبت شده است.

کتابخانه ابن‌مسکویه



ابتدای چهارباغ خواجو و مقابل صداوسیمای مرکز اصفهان کتابخانه‌ای قرار دارد که نامش با «ابن‌مسکویه»، فیلسوف و مورخ بزرگ قرن چهارم و پنجم در روزگار آل‌بویه گره خورده است. این کتابخانه برخلاف نام کهن‌سالش، بنایی است که در دهه‌های اخیر شهرسازی اصفهان ساخته شده. کتابخانه عمومی ابن‌مسکویه در طبقه زیرین ساختمان قرار دارد و بخشی از اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان اصفهان است. این کتابخانه به عنوان یکی از مراکز مهم ارائه‌دهنده خدمات پژوهشی و امانت کتاب در شهر شناخته می‌شود. بنای این مجموعه در سال ۱۳۷۰ توسط شهرداری اصفهان احداث و ابتدا به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان واگذار شد؛ اما با تشکیل نهاد مستقل اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان در سال ۱۳۸۴، مدیریت این مجموعه به این نهاد منتقل شد. ارزش اصلی کتابخانه ابن‌مسکویه در محتوای آن نهفته است. این کتابخانه میزبان بالغ بر ۳۵۰۰ نسخه خطی و چاپ سنگی ارزشمندی است که عمدتا موضوع‌های فقهی، فلسفی، تاریخی و ادبی دارد.

امامزاده باقر(ع)



این امامزاده در چهارباغ خواجو، خیابان عافیت (بین بن‌بست سادات و خندان، محله قدیمی فتح‌آباد) قرار دارد و بنا بر باور و سنت شفاهی بزرگان محل، از نوادگان امام‌محمدباقر(ع) است. کل مجموعه حدود ۳ هزار مترمربع و فضای حرم مطهر حدود ۸۰ مترمربع وسعت دارد. بنای اصلی و تاریخی بقعه به دوره قاجار بازمی‌گردد و بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. داخل حرم با نقاشی‌های دیواری سنتی، آیات قرآن و اشعار مذهبی در مدح اهل‌بیت (ع) تزیین شده و ضریح بقعه از نوع چوبی معرق‌کاری‌شده با شبکه پنجره‌های برنجی است که روی سنگ مزار قرار دارد. نمای بیرونی حرم و محوطه آن در سال‌های اخیر توسط اداره اوقاف و هیئت امنا با تلفیقی از آجرکاری سنتی و کاشی‌کاری مرمت شده است. در سال‌های اخیر، بخش‌هایی نظیر حسینیه، سالن اجتماعات، کتابخانه و مجموعه فرهنگی به این آستان افزوده شده که آن را به محیطی فرهنگی و مذهبی تبدیل کرده است. امامزاده باقر(ع) در محدوده یکی از قبرستان‌های تاریخی و کهن اصفهان (قبرستان مصلای خواجو یا فتح‌آباد) واقع شده که سال‌ها پیش بخش عمده آن تخریب و به بافت شهری و مسکونی تبدیل شد؛ اما بقعه امامزاده به عنوان هسته معنوی آن باقی مانده است. بر اساس پژوهش‌های محققان تاریخ اصفهان، قبر ابن‌مسکویه رازی (فیلسوف و مورخ) در محدوده قبرستان پیرامونی این امامزاده قرار دارد که این امر ارزش تاریخی و فرهنگی این نقطه را دوچندان می‌کند.

ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا
شماره ۶۷، آبان ۱۴۰۵
منطقه ۳ | ۴
esfahan ziba online .ir

پلاک‌هایی که نشان شدند

گفت‌وگو با حسین سعیدی‌پور، رزمنده و برادر شهید



منیره فهامی

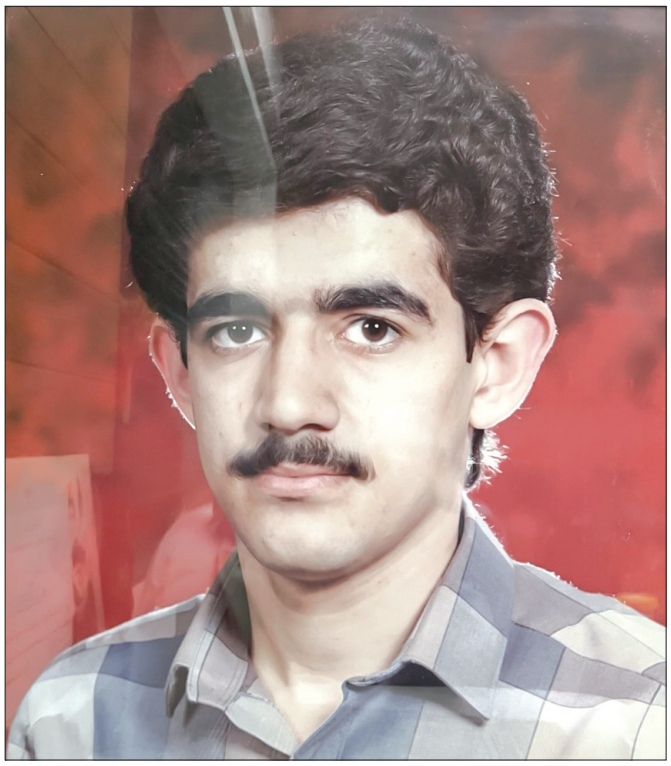
بعضی آدم‌ها را باید از مهربانی‌هایشان شناخت؛ از دست‌هایی که بی‌دریغ به‌سوی نیازمندان دراز می‌شد و از دل‌هایی که برای آرامش دیگران می‌تپید. بعضی‌ها جوانی‌شان را در روزهایی جا می‌گذارند که تاریخ، نام مردان بی‌ادعا را در دفتر حماسه ثبت می‌کند؛ همان‌هایی که بی‌آنکه از رفتنشان سخن بگویند، راهی جبهه می‌شدند.
شهید علیرضا سعیدی‌پور یکی از همان جوانان بود؛ جوانی که در کنار درس و زندگی، دل در گرو مسجد و فعالیت‌های انقلابی داشت و مهربانی‌اش زبانزد خانواده بود؛ او که پیش از رفتن به کردستان پدر را در جریان نگذاشت و داوطلبانه راهی منطقه شد؛ رفتنی که بازگشتی در آن نبود. برای شنیدن روایت زندگی این شهید، پای صحبت‌های حسین سعیدی‌پور، برادر بزرگ‌تر او نشستیم؛ مردی که خود نیز سال‌هایی از جوانی‌اش را در جبهه گذرانده و خاطراتی از روزهای سخت و پرحادثه جنگ در سینه دارد.

از تهران تا اصفهان در خانواده‌ای اهل خیر

علیرضا سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و فرزند چهارم خانواده بود. پدرم، حاج مهدی، در کار ساختمان فعالیت داشت و از خیران شناخته‌شده اصفهان بود. ایشان از بانیان و مؤسسان حسینیه جوادالائمه در چهارراه شکرشکن اصفهان به شمار می‌رفت.
پدرم اصفهانی و مادرم تهرانی بود. سال ۱۳۴۸ به اصفهان آمدیم و زندگی‌مان در این شهر ادامه پیدا کرد. من دو سال از علیرضا بزرگ‌تر بودم. او دوران دبستان را در مدرسه دهخدا گذراند، دوره راهنمایی را در مدرسه هراتی خواند و در رشته ادبیات و علوم انسانی از دبیرستان هراتی دیپلم گرفت.

جوانی که دلش با مسجد بود

برادر شهید از روزهایی یاد می‌کند که مسجد، بخش مهمی از زندگی علیرضا را تشکیل می‌داد و فعالیت‌های مذهبی و انقلابی، مسیر رشد و شکل‌گیری شخصیت او را رقم می‌زد. به گفته او، علیرضا اهل نماز بود و در مسجد جوادالائمه واقع در خیابان مولوی، در فعالیت‌های مختلفی ازجمله گروه‌های سرود و تئاتر مسجد حضور داشت. با گسترش فعالیت‌های انقلابی در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، او نیز در این مسیر فعال بود و آموزش‌های نظامی را در همان مسجد فراگرفت. علیرضا بسیار مهربان و بخشنده بود و همیشه تلاش می‌کرد به دیگران کمک کند. اگر نیازمندی را می‌دید، هر مقدار پولی که در جیب داشت به او می‌داد و به هر شکلی که می‌توانست دست دیگران را می‌گرفت.
علیرضا ارتباط نزدیکی با پدرمان داشت و پدر نیز علاقه زیادی به او نشان می‌داد. وقتی خبر شهادت علیرضا آمد، از یک‌سو خوشحال بود که پسرش در راه خدا و اسلام به شهادت رسیده و از سوی دیگر، داغ ازدست‌دادن جوانی را تحمل می‌کرد که می‌توانست در آینده برای جامعه بسیار مفید باشد.



از خدمت در تهران تا حضور داوطلبانه در کردستان

علیرضا پس از دریافت دیپلم، در سال ۱۳۶۴ به خدمت سربازی رفت. محل خدمت او پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بود؛ اما روزهای جنگ و اشتیاق حضور در جبهه، او را به مسیری دیگر کشاند. برادرم دوست داشت به جبهه برود. درنهایت، سال ۱۳۶۵ داوطلب شد و به تیپ ۱۰ محرم پیوست و راهی منطقه بانه در کردستان شد تا ادامه خدمتش را در آنجا بگذراند. علیرضا پیش از رفتن، موضوع را با پدرم در میان نگذاشته بود. وقتی به منطقه رسید، تماس گرفت و خبر داد که به کردستان آمده و می‌خواهد باقی‌مانده خدمتش را همان‌جا بگذراند. پدرم هم مخالفتی نکرد. من دو سال قبل از علیرضا برای خدمت به جبهه رفته بودم. پس از برگشت من، او راهی منطقه شد.
علیرضا راننده بود و مهمات را برای نیروهای مستقر در خط مقدم جابه‌جا می‌کرد. در جریان یکی از مأموریت‌ها، هواپیمای دشمن خودروی آن‌ها را بمباران و ترکش به برادرم اصابت کرد و به شهادت رسید.



سال ۱۳۶۶ بود و تنها یک ماه به پایان خدمت سربازی علیرضا باقی‌مانده بود که به شهادت رسید.

روایت برادر از روزهای جبهه

حسین سعیدی‌پور خود نیز سال‌هایی از جوانی‌اش را در جبهه گذرانده است. او می‌گوید: سال ۱۳۶۰ دیپلم گرفتم و برای رفتن به کردستان اقدام کردم؛ اما چون سنم کم بود، به رضایت پدر نیاز داشتم. پدر با رفتنم موافقت نکرد و گفت می‌توانی وقتی به سربازی رفتی، از آن طریق به جبهه اعزام شوی. برای سربازی ثبت‌نام کردم و پس از گذراندن دوره آموزشی، به جبهه رفتم. از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ در لشکر ۲۱ حمزه حضور داشتم و حدود ۱۴ ماه در منطقه مهران بودم. در عملیات‌های کربلای ۳، کربلای ۵، والفجر و چند عملیات دیگر شرکت داشتم.
(حضوری که هنوز آثارش با او مانده است. ترکش‌هایی که در بدنش به یادگار مانده و کاهش شنوایی گوشش.) چند ماه در خط مقدم و روبه‌روی نیروهای عراقی بودیم. شب‌ها نگهبانی می‌دادیم و روزها برای گشت‌زنی به منطقه می‌رفتیم. در دره‌ها تله‌گذاری می‌کردیم و دوباره به محل استقرارمان برمی‌گشتیم.

پلاک‌هایی که از دل خاک بیرون آمدند

در یکی از گشت‌ها، در دره‌ای در منطقه مهران و دهلران، متوجه چند پلاک شدیم که از خاک بیرون زده بود. جلوتر رفتیم و مقداری از زمین را کندیم. در ادامه، پیکر چند شهید ایرانی پیدا شد. باران باریده و سیلاب، گل‌ولای را با خود آورده و روی پیکرها را پوشانده بود. فقط چند پلاک از خاک بیرون مانده بود و همان نشانه باعث شد متوجه حضور پیکر شهدا شویم. او این اتفاق را یکی از خاطرات فراموش‌نشدنی دوران جنگ می‌داند.

شبی که تپه کله‌قندی آزاد شد

حسین سعیدی‌پور از عملیات‌های منطقه مهران نیز خاطراتی در ذهن دارد؛ روزهایی که رزمندگان برای پیشروی و بازپس‌گیری مواضع، با دشواری‌های فراوان روبه‌رو بودند.
او می‌گوید که مدتی به‌عنوان نیروی خمپاره‌انداز فعالیت می‌کرده و از روزهایی یاد می‌کند که نیروهای ایرانی در جریان حملات، موفق شدند تپه مهم کله‌قندی را تصرف کنند. به گفته سعیدی‌پور، پس از پیشروی نیروهای ایرانی و گرفتن این موضع، نیروهای عراقی عقب‌نشینی کردند.

شجاعت دو رزمنده خوزستانی

در کنار خاطرات دشوار عملیات‌ها، برادر شهید از اتفاق‌هایی هم یاد می‌کند که در روزهای جنگ، روحیه رزمندگان را تقویت می‌کرد. یکی از این خاطرات به دو هم‌خدمتی خوزستانی او مربوط است که تسلطشان به زبان عربی، امکان انجام مأموریت‌هایی جسورانه را برایشان فراهم کرده بود. او می‌گوید: دو نفر از هم‌خدمتی‌های ما اهل خوزستان بودند و عربی را خوب صحبت می‌کردند. آن‌ها روزها با اسلحه وارد خاک عراق می‌شدند و در نزدیکی سربازان عراقی قرار می‌گرفتند و با آن‌ها صحبت می‌کردند؛ به‌طوری‌که سربازان عراقی متوجه ایرانی بودنشان نمی‌شدند. به گفته سعیدی‌پور، این دو رزمنده از فرصت استفاده می‌کردند و ضمن شناسایی منطقه، اطلاعاتی درباره مهمات و تعداد نیروهای دشمن به دست می‌آوردند؛ سپس به بخش انبار مواد غذایی می‌رفتند، کوله‌هایشان را از کنسرو و کمپوت پر می‌کردند و با دو ساک پر از مواد غذایی بازمی‌گشتند. با لبخند از ادامه ماجرا یاد می‌کند: وقتی برمی‌گشتند، ماجرا را برایمان تعریف و مواد غذایی را میان بچه‌ها تقسیم می‌کردند. واقعا شجاع و نترس بودند.

جوانانی که سهمشان از زندگی فداکاری بود

روایت حسین سعیدی‌پور، از مهربانی‌های برادرش علیرضا تا خاطرات روزهای جبهه، تصویری از نسلی به دست می‌دهد که در سال‌های جنگ، میان مسئولیت، ایمان و دل‌بستگی به خانواده، راه ایثار و ازخودگذشتگی را انتخاب کرد.

همه‌محله
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا
شماره ۶۷، آبان ۱۴۰۵
منطقه ۳
۵
esfahan ziba online .ir

خوش‌نویسی در جوهر وجودم بود

گفت‌وگو با مصطفی شاهرخی «زرین‌قلم»، هنرمند خطاط ونقاش محله چرخاب



اکرم کیانی



مصطفی شاهرخی، متولد خردادماه سال ۱۳۲۶ نقاش و هنرمند خطاط معروف به «زرین‌قلم» است که از سال ۱۳۵۱ تاکنون در محدوده خیابان فلسطین، مشغول به هنر خوش‌نویسی است. اکثر افراد او را به نام زرین‌قلم می‌شناسند و از حرفه خطاطی برای تابلوسازی استفاده می‌کند. از روی مدل نقاشی می‌کشد و حدود ۵۴ سال می‌شود که مشغول به خلق این هنر است.

استعداد ذاتی و ورود به دنیای هنر خطاطی

شاهرخی (زرین‌قلم) درباره نحوه ورودش به دنیای هنر خطاطی به «هم‌محله» می‌گوید: «از همان نوجوانی به هنر نقاشی و خطاطی بسیار علاقه‌مند بودم. از زمان نوجوانی خط خوبی داشتم و همین امر باعث شده که به این هنر روی بیاورم. ابتدا در نوجوانی می‌خواستم به شغل الکتریکی وارد شوم؛ اما به‌دلیل استعداد زیاد در خطاطی، وارد این دنیا شدم. نقاشی‌ام بسیار خوب است، می‌توانم تابلوها را ذهنی بکشم؛ اما بیشتر مدل انتخاب می‌کنم و آن مدل را نقاشی و تابلو را خلق می‌کنم.»

او برای ادامه مسیر به هنرستان هنرهای زیبا می‌رود تا تحصیلات مرتبط داشته باشد؛ اما بعضی از هنرجویان او را از این کار منصرف می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند به بازار کار برود تا هم‌زمان هم کسب درآمد کند و هم هنرش را ادامه دهد. این موضوع حالا به خاطره‌ای بد برای این هنرمند تبدیل شده است. او ادامه می‌دهد: «این اتفاق باعث شد به شکل سنتی این کار را ادامه دهم و به‌نظرم اگر وارد هنرستان هنرهای زیبا می‌شدم برایم بهتر بود. به‌طور یقین در هنرستان از طریق راه‌های جدید و طراحی‌های بزرگ، پیشرفت زیادتری می‌کردم؛ اما درهرصورت وارد بازار کار و به شاگردی مشغول شدم. ابتدا شاگرد معین‌التجار بودم و در نزد افراد دیگری هم شاگردی کردم.، بعد از چند سال شاگردی، برای خودم مغازه باز کردم و سعی کردم به شکل مجزا برای خودم کار کنم.»

شاهرخی ابتدا چند نام مستعار برای خود انتخاب می‌کند؛ اما وقتی در تهران بوده نام زرین‌قلم را انتخاب می‌کند. او ادامه می‌دهد: «من خطاط هستم و از حرفه خطاطی برای تابلوسازی استفاده می‌کنم؛ اما از زمانی که خوش‌نویسی در اینترنت فعال شد، به‌نظرم تا حدودی هنر خطاطی سنتی عقب رفت، استقبال زیادی از آن نیست.

دغدغه‌ها و سختی‌های هنر خطاطی

شاهرخی تأکید می‌کند:« باوجود همه این شرایط، در حال حاضر خطاطی سنتی و هنر نقاشی را ادامه می‌دهم و حدود ۵۴ سال می‌شود که مشغول به انجام این هنرها هستم. هنر خطاطی را سالیان متوالی با شاگردی‌کردن آموختم. با تمرین و صبر زیاد ادامه دادم و بعد از اتمام خدمت سربازی، برای خودم به شکل مجزا کار کردم. سال‌ها مغازه‌ام در پاساژ تخت جمشید چهارباغ بود و بعد از به محدوده خیابان فلسطین آمدم و از سال ۱۳۵۱ تاکنون در اینجا در حرفه خطاطی، نقاشی و تابلوسازی فعالیت دارم.»

او درباره سختی این هنر اصیل می‌گوید: «خطاطی ذوق و عشق هنرمند است. یک خطاط ماهر باید برخوردار از مهارت‌های لازم برای خط نوشتن باشد. برخی از افراد از همان ابتدا استعداد ذاتی انجام این هنر را دارند و به دنبال این کار می‌روند؛ اما تعدادی هم از ابتدا خط خوبی ندارند. وقتی وارد این حرفه می‌شوند، زحمت زیادی می‌کشند تا خطشان در این هنر به اوج برسد. بنده از زمان نوجوانی خمیرمایه خط و استعداد انجام این هنر را داشتم.خط خوشی داشتم و توانستم در این مسیر پیشرفت کنم؛ اما یک فردی که وارد این حرفه می‌شود باید بداند با تمرین مداوم، ممارست زیاد و الگوگرفتن از خطاطی هنرمندان بزرگ می‌تواند موفق شود.»

هنرمند خطاط خاطرنشان می‌کند:«یعنی یک خطاط ماهر قبل از اینکه خودش خط بنویسد، باید خطاطی افرادی که از همان ابتدا خط خوبی داشته‌اند را نظاره کند. باید بتواند رسم‌الخط‌های خطاط‌های بزرگ مانند خط شکسته، نستعلیق، ثلث و خط نسخ را کار کند تا بتواند به مرتبه‌های بالاتری در این هنر دست یابد. به این چهار خط مسلط هستم، در ایران و اصفهان این چهار نوع خط در هنر خطاطی رایج است و همه تابلوهایم در مغازه‌ام برای دیدن علاقه‌مندان وجود دارد. البته خط‌های دیگری مانند خط رقعه، ریحانی، کوفی و تقریبا ده نوع خط دیگر وجود دارد که در ایران طرفداران زیادی ندارد.»

از انجام این هنر احساس خرسندی می‌کنم

شاهرخی درخصوص احساس خود از انجام این هنر اصیل اظهار می‌کند: «در حقیقت هنر خطاطی را بسیار دوست دارم و از انجام آن لذت زیادی می‌برم. باذوق و علاقه زیاد این کار را انجام می‌دهم و وقتی‌که یک خط را می‌نویسم به‌اندازه‌ای که خودم از نوشتن خط لذت می‌برم به‌نظرم دیگران لذت نمی‌برند، تنها افرادی لذت زیاد را می‌فهمند که خط‌شناس باشند. هنر خطاطی و نوشتن خط هنری بسیار پرظرافت است. وقتی‌که یک خط توسط هنرمند به‌خوبی نوشته می‌شود لذت کار را می‌برد و از ظرافت‌های این هنر، استادانه خط را یادگرفتن و به‌خوبی نوشتن است.»او درباره ظرافت‌های یادگیری این هنر اصیل می‌گوید: «در گذشته شاگردانی داشتم که هنر خطاطی را به آن‌ها آموختم؛ به‌خصوص زمانی که در مدارس، کلاس طرح کادر وجود داشت. بعضی از آن‌ها توانستند هنر خطاطی را به‌خوبی یاد گرفته و به شکل مجزا برای خودشان کار کنند. کسانی که دوست دارند هنر خطاطی را یاد بگیرند باید بدانند که برای آموختن این هنر اصیل ضرورت دارد به انجمن خوش‌نویسی بروند و زیردست یک خطاط ماهر آموزش ببینند.»استاد زرین‌قلم سال‌های زیادی را در این مسیر طی کرده و به درجه استادی رسیده؛ اما حالا استقبال‌نکردن مردم از هنرش آزارش می‌دهد.





esfahan ziba online .ir

جایزه «هاستل ورلد» برای اصفهان

گفت‌وگو با مدیر یک بوم‌گردی در محله چرخاب که جایزه‌ای بین المللی به دست آورد



زهره‌سادات کاظمی

محله چرخاب دور از تمدن اصیل ایرانی اصفهانی نیست. خانه‌های تاریخی در این محله کم نبوده‌اند و آن‌هایی که توانسته‌اند به بقای خود در محله ادامه بدهند و حالا جایی امن برای مسافران باشند هم انگشت‌شمارند.

در کوچه‌پس‌کوچه‌های این محله، تن زخمی و خسته بسیاری از خانه‌های زیبا که قابلیت تبدیل‌شدن به بوم گردی را دارد، دیده می‌شود؛ اما تصمیم مالکان بر رها کردن این خانه‌های زیبا بوده تا بعد از گذر زمان دیگر اثری از آن‌ها باقی نماند. در این میان اما خانواده جوان جمالی و یحیایی تصمیم می‌گیرند یک خانه را در ابتدای خیابان چهارباغ خواجو بخرند و تبدیل به خانه‌ای امن برای مسافران خارجی کنند تا حس خوب زیستن در شهر اصفهان خاطره خوبی برایشان باقی بگذارد.

درست چندمتری داخل خیابان چهارباغ خواجو خانه‌ای دوطبقه دیده می‌شود. دیوار و ایوان بیرونی خانه نشان از خانه‌ای تاریخی دارد. ستون‌های سنگی جلوی در خانه شکل زیبایی به آن داده است. سه در کنار هم قرار دارد که هر کدام به قسمتی از خانه می‌رسد. قسمت اصلی بازسازی‌شده و به بوم‌گردی تبدیل شده است. بنا به گفته خانم جمالی که حالا مدیریت این بوم‌گردی را دارد، علاقه به اداره بوم‌گردی باعث شد تا محل کار آن‌ها در سال ۲۰۲۰ به‌عنوان بهترین هاستل ایران شناخته شود و جایزه بزرگی در حوزه گردشگری دریافت کند. او در گفت‌وگو با «هم‌محله» از این بوم‌گردی و مشکلات پیش روی اداره آن گفت.

لطفا تاریخچه‌ای از این ساختمان برایمان بگویید؟

خانه مربوط به دوره پهلوی دوم است؛ اما ملک از دوره صفویه وجود داشته است. در طول زمان تا سال ۱۳۱۷، بارها تفکیک‌شده و به وضعیت فعلی رسیده است. خانه از همان سال، با همین متراژ و تقریبا به همین شکل، باقی‌مانده است. ما در سال ۱۳۹۶ خانه را به‌طورکامل بازسازی و از اسفند همان سال فعالیت خود را آغاز کردیم. سه ملک به‌صورت مجزا کنارهم قرار دارد.

آیا این بخش قبلا حیاطی رو به خیابان داشته یا از ابتدا همین‌طور بوده است؟

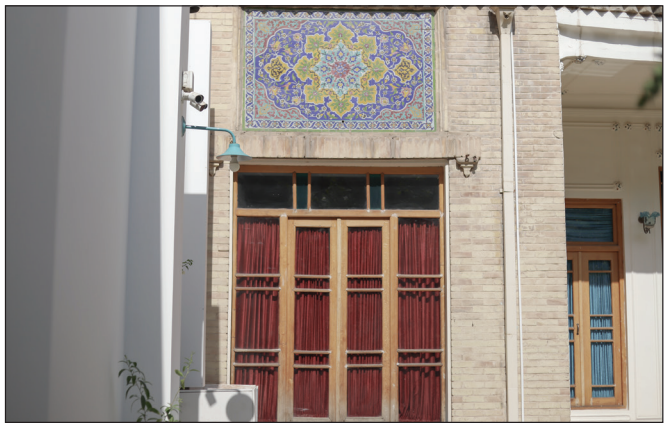
معماری خانه از ابتدا همین‌طور بوده است. بخش طبقه بالا میان دو ملک مشترک بوده که بعدها توافق کردند و آن قسمت به سمت راست تعلق گرفت؛ اما خودِ ملک دقیقا همین بوده است.

صاحب اولیه ملک چه کسی بوده؟

این ملک در طول زمان دست‌به‌دست شده؛ اما سازنده اصلی خانه اصالتا اهل همدان بوده است. چیزی که قدیمی‌های محل می‌گویند این است که ایشان هم اینجا درس می‌داده و هم زندگی می‌کرده است. دو مغازه‌ای هم که سال‌هاست متروکه‌اند و در سمت چپ خانه قرار دارند، مغازه‌های فروش محصولات و صنایع‌دستی ایشان بوده. ایشان به اصفهان مهاجرت کرده و خشت، کاشی و سفال تولید می‌کردند، آموزش می‌دادند و همان‌جا هم محصولاتشان را می‌فروختند. البته این موضوع روایت قدیمی‌های محله است. درباره قدمت خانه توضیح خاصی داده نمی‌شود؛ جز اینکه بدنه‌ای مشترک با چهارراه نقاشی داشته و قناتی هم از مادی‌ها به این مسیر متصل بوده که سال‌هاست پرشده و دیگر ارزش تاریخی چندانی برایش قائل نیستند.

چه شد که این خانه را انتخاب کردید؟

ما نخستین خانه‌های بوم‌گردی بودیم که به‌صورت رسمی و با مجوز کارمان را شروع کردیم. آن زمان مجوز ما صرفا برای پذیرش گردشگران خارجی بود و رویکردمان میزبانی از مهمانان خارجی. علاقه ما به بازار خارجی و ارتباطی که از کودکی با مهمانان خارجی داشتیم، در این تصمیم مؤثر بود؛ به همین دلیل، خانه را بازسازی و اتاق‌ها را تجهیز کردیم. بعد از کرونا، شرایط کار تغییر کرد و مهمان ایرانی هم پذیرفتیم. به همین نسبت تلاش کردیم فضا را ایرانی‌تر کنیم؛ هرچند معماری خانه کاملا ایرانی است، در شیوه پذیرایی و تجهیزات هم تغییراتی ایجاد شد. اصفهان همیشه میزبان گردشگران خارجیِ باکیفیتی بوده است؛ چه در حوزه فرهنگی، تاریخی و چه درزمینهٔ کسب‌وکار و تجارت. تصمیم گرفتیم خانه‌ای داشته باشیم که امکان تعامل با مهمانان را فراهم کند؛ نه هتل باشد و نه مسافرخانه‌ای معمولی. این خانه، خانه‌ای بود که بعد از جست‌وجوی بسیار در محله‌های مختلف اصفهان، باوجودنزدیکی‌اش به جاذبه‌های گردشگری و قرارگرفتن در معرض دید، انتخاب شد.



مزیت مهم این خانه این بود که نمی‌خواستیم یک‌خانه اعیانی با شکل و ظاهری خاص انتخاب کنیم؛ چون می‌خواستیم ماهیت هاستل‌بودن آن حفظ شود. اینجا بوتیک‌هتل نیست و قرار نیست هتل باشد؛ قرار است خانه‌ای باشد که از مهمانان میزبانی می‌کند. موقعیت مکانی هم برایمان اهمیت داشت. خانه باید به جاذبه‌ها نزدیک می‌بود؛ اما آن‌قدر در قلب شلوغی قرار نمی‌گرفت که دسترسی خودرو دشوار شود. اینجا زنده است.

درباره معماری خانه بگویید. آیا تغییر خاصی در آن ایجاد کردید؟

کف خانه اصلا خشت نبود. باغچه‌ها پراکنده بودند و ما آن‌ها را متمرکز کردیم. فضای درونی خانه همچنان همان‌جاست و بخش شاه‌نشین دقیقا همین‌طور بوده است. بخش مطبخ هم همین‌جا بوده؛ اما ضلع آخر خانه را ما اضافه کردیم.

یعنی مطبخ به همان شکل قدیمی باقی‌مانده است؟

متأسفانه نه. مطبخ در جریان بازسازی کشف شد؛ چون کاملا مدفون‌شده بود.

خانه مجاور شما تخریب شده. آیا به ملک شما آسیبی نمی‌زند؟

این موضوع به بنای این‌طرف ما آسیبی نمی‌زند؛ چون هم سبک‌سازی کردیم و هم دیوارها را از پشت مهار کردیم. ملک ما با خانه پشتی، به‌جز دیوار پشتی، دیوار مشترکی ندارد. آن دیوار، دیوار اصلی و ذاتی همین خانه است. ملک این‌طرف سالم است و به کارش ادامه می‌دهد.

با توجه به شرایط سختی که در کشور بوده شما چطور ادامه دادید؟

گردشگری واقعا در دوران کرونا وضعیت سختی داشت. زنده‌ماندن ما تا حدی به این دلیل بود که ما با عشق وارد این عرصه شدیم. دل‌کندن از فضایی که در آن با آدم‌ها ارتباط برقرار می‌کنید و در خاطراتشان شریک می‌شوید، راحت نیست. این‌طور نیست که مهمان بیاید و فقط خوش بگذراند و برود. یکی از مهمانان، آخرین سفرش به ایران پیش از بچه‌دارشدن بوده؛ مهمان دیگری بعدازاینکه فرزندش را ازدست‌داده، به اینجا آمده است. ما در زندگی آدم‌ها شریک بوده‌ایم و بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌ایم؛ همان‌طور که آن‌ها هم بر ما اثر گذاشته‌اند. دل‌کندن از این کار آسان نیست؛ چون تجربه‌ای شیرین دارد. گردشگری، از آسیب‌پذیرترین کسب‌وکارها در اصفهان و ایران است. هیچ‌وقت یادم نمی‌آید از ما پرسیده باشند که مثلا در دوران جنگ، از نظر انرژی در مضیقه بوده‌ایم یا نه. ما کار نکردیم؛ اما انصاف نبود قبض برق ما را قسط‌بندی نکنند. البته همکاری‌هایی شده؛ اما این همکاری‌ها بیشتر از طرف آدم‌ها بوده، نه ارگان‌ها. حق بود در این دوره، از صنعت گردشگری حمایت شود. در کنار همه همراهی‌هایی که بوده، به نظرم حمایت و زیرساخت لازم است. اگر مهم است که ما زنده بمانیم، باید برای آن برنامه داشت.





اگر قرار است ما نباشیم، بحث دیگری است. هتل‌های پنج‌ستاره با سرعت زیادی دارند اصفهان را تغییر می‌دهند و این تغییر هم جذاب است. اصفهان قطعا به هتل‌هایی نیاز دارد که حرفی برای گفتن داشته باشند. ما هم میزبان سفرا و گروه‌های تجاری بزرگ هستیم؛ گروه‌هایی که شاید اقامت در جاهای دیگر برایشان مناسب نباشد؛ اما این به آن معنا نیست که فقط ساخت چنین مجموعه‌هایی اهمیت داشته باشد و هزینه‌اش بر دوش گروه‌های کوچک گردشگری بیفتد.

در صحبت‌هایتان گفتید که جایزه بین‌المللی گرفتید، بیشتر توضیح می‌دهید؟

این جایزه را از «هاستل‌ورلد» در دانمارک دریافت کردیم. این پلتفرم یکی از بزرگ‌ترین سامانه‌های رزرو برای مسافران و افرادی است که تنها سفر می‌کنند. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، شبیه یک برنامک داخلی گردشگری در ایران است؛ اما در جهان میلیون‌ها کاربر دارد. هاستل‌ورلد به ما جایزه داد؛ چون ما را مقصدی با مهمان‌نوازی مطلوب در ایران می‌دانست. جایزه‌گرفتن هم کار کوچکی نیست. در فضای بین‌المللی، شما با یک گزارش مثبت می‌توانید نشان بدهید که ایران امن است، سفر به آن خوشایند است و مقصدی زیبا با مردمانی مهربان دارد. به‌نظر من، هیچ‌وقت ارزش این موضوع آنطور که باید دیده نشد. یک گروه جوان باهمه توان مالی و نیروی انسانی خود این جایزه را برای اصفهان به دست آورد؛ اما اینکه ایران توانسته چنین جایزه‌ای بگیرد، به‌نظر من ارزشمند بود و اصلا دیده نشد.

مهمانان زیادی از کشورهای مختلف داشته‌اید؟

خیلی زیاد؛ از هر کشوری که فکر کنید. ما مهمانان زیادی داشتیم و پذیرای آن‌ها بودیم. می‌توانم بگویم تقریبا از هر کشوری که فکرش را بکنید، مهمان داشته‌ایم. همه‌شان هم یادگاری می‌گذاشتند؛ مثل دست‌نوشته‌ها. بیشتر این یادگاری‌ها از مهمانان ایرانی است؛ اما گردشگران خارجی معمولا برایمان کارت‌پستال می‌آوردند و نمادی از کشور خودشان را هدیه می‌دادند.

یعنی یادگاری‌هایی از کشورهای مختلف دارید؟

بله؛ یادگاری‌های چینی و آلمانی هم داریم. آدم‌ها، هر جای دنیا که باشند، وطن‌دوستی دارند؛ مثلا یک مهمان چینی وقتی می‌بیند اسکناس قدیمی کشورش اینجاست، خیلی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. کارت‌پستال هم زیاد داشتیم؛ به‌دلیل تعداد بالای نامه‌هایی که مهمانان می‌فرستادند برای دوستانشان، اداره پست خودش پیشنهاد داده بود که صندوق پستی را جلوی در بگذاریم. مهمان‌ها اینجا جمع می‌شدند، حال‌وهوایشان را روی کارت می‌نوشتند و همان‌جا برای دوستانشان در کشورهای دیگر می‌فرستادند. به قول خودشان، می‌خواستند حال‌وهوای آن لحظه را فارغ از فضای مجازی با دیگران به اشتراک بگذارند.

کار در بوم‌گردی با هتل تفاوت دارد؟

خیلی تفاوت دارد. اینجا مهمان واقعا با فرهنگ نامأنوس ایرانی زندگی می‌کند؛ با من ارتباط می‌گیرد، با من آشپزی می‌کند، صبح همراه من به گشت‌وگذار در اصفهان می‌آید. ما داریم تجربه‌های واقعی را به مهمانان منتقل می‌کنیم. مهمانان می‌دانند که به اینجا می‌آیند و لذت می‌برند. برایشان مهم است که صاحب اینجا یک خانم است و می‌بینند زنان ایرانی چقدر متفاوت‌اند. در دنیای اسلام درباره زنان پاکستان، افغانستان و ترکیه مطالب زیادی می‌خوانند و اینجا با تفاوت‌های زنان ایرانی روبه‌رو می‌شوند. به‌نظر من، این اتفاق بزرگی است که این خانه‌های کوچک رقم می‌زنند.

صحبتی که دوست دارید مسئولان بشنوند؟

سازمان میراث فرهنگی می‌خواهد خانه‌ها با سرمایه خصوصی حفظ شوند. این کار حمایت می‌خواهد. من نمی‌گویم به ما وام بدهند؛ این تصمیم خودم بوده که خانه را بازسازی کنم. این کار از علاقه و ارادت من به شهر و کشورم می‌آید. اما وقتی بحث زیرساخت، مجوز و همراهی دولت مطرح می‌شود، حضور و حمایت لازم است. تعریف و شرایط ما باید با یک ملک معمولی یا یک کسب‌وکار تجاری تفاوت داشته باشد.

آغاز مربیگری از تیم تام اصفهان

گفت‌وگو با حسین چرخابی، پیش‌کسوت فوتبال محله چرخاب



حسین چرخابی، متولد سال ۱۳۲۹ و دارای سه مدرک کارشناسی تربیت‌بدنی، تاریخ و مدرک حرفه‌ای فوتبال، از اهالی محله چرخاب است که اجداد و نیاکان او همگی ساکن این محله قدیمی اصفهان بوده‌اند. شغل اجداد او در گذشته کشاورزی بوده و بیشتر به کشت گندم مشغول بوده‌اند. او فوتبال را از ایام قدیم در زمین فوتبال خاکی محله چرخاب، شروع کرده و با استعدادی که در این زمینه داشته، توانسته است در این حرفه به‌خوبی پیشرفت کند. چرخابی دوران ورودش به فوتبال را اینطور روایت می‌کند.

شروع فوتبال از زمین خاکی چرخاب

قدیم در محله چرخاب اصفهان یک زمین فوتبال خاکی بود که از دوران نوجوانی و از سن ۱۵سالگی، بازی فوتبال را در این زمین خاکی، مانند همه بازیکنان قدیمی محله چرخاب شروع کردم. افرادی مانند محمودخان یاوری هم اولین بازی‌های خودشان را از این زمین خاکی شروع کردند. بعد از چند سال بازی در رشته فوتبال، به باشگاه دارایی اصفهان رفتم و زنده‌یاد ولی‌الله احمدی و جلیل فرهادی از مربی‌های من در رشته ورزشی فوتبال در این باشگاه بودند که سال‌ها از آن‌ها بسیار آموختم.

در واقع، من رشته ورزشی فوتبال را از همان دوران نوجوانی در دبیرستان هراتی شروع کردم و حدود ۵۵ سال می‌شود که در این حرفه ورزشی در حال فعالیت هستم. از قدیم به ورزش فوتبال علاقه داشتم و تقریبا هرروز ورزش می‌کردم و ساعت‌ها مشغول به بازی فوتبال بودم. در زمان قدیم در محله چرخاب یک تیم محلی فوتبال به نام تیم «فاتح» وجود داشت. بازیکنان فعال این تیم محلی عبارت بودند از: خانواده یاوری، برادران ندیمیان، حسین آوایی‌نیا و دکتر آوایی‌نیا که اکنون یکی از قضات برجسته تهران هستند. فرزین نیکبخت هم از دیگر بازیکنان تیم فاتح چرخاب بود که در سال‌های بعدی، مدتی کاپیتان تیم سپاهان شدند.

از زمان نوجوانی به بازی فوتبال علاقه‌مند بودم

به یاد دارم در محله چرخاب در زمان قدیم فوتبالیست‌های زیادی بودند که در تیم محلی فاتح بازی می‌کردند و بنده هم از همان زمان نوجوانی به بازی فوتبال علاقه‌مند بودم و وارد این رشته ورزشی برای فعالیت شدم. نوجوانان و جوانان محله چرخاب در زمان قدیم، در رشته ورزشی فوتبال بسیار فعال بودند و شاخص‌ترین آن‌ها در محله، محمودخان یاوری بود که به امیرکبیر فوتبال ایران معروف شد و در واقع همه‌کاره محله در این رشته ورزشی بود. مابقی افراد قدیمی هم که در رشته فوتبال فعالیت داشتند، امروز تقریبا همگی بازنشسته شده‌اند و چندان به فوتبال نمی‌پردازند. تنها بنده هستم که از گذشته تاکنون همچنان در این حرفه فعال هستم و به مربیگری می‌پردازم.

از همان ایام نوجوانی به‌عنوان بازیکن فوتبال در کنار دیگر بازیکنان دبیرستان هراتی، مانند ندیمیان، فرزین نیکبخت و ابوالقاسم فیروزه فوتبال بازی می‌کردیم و به شکل تیمی موفق به کسب رتبه استانی هم می‌شدیم. زمانی هم که وارد باشگاه دارایی اصفهان شدم، از طرف تیم باشگاه موفق به کسب مقام‌های زیادی شدیم و بعد از آن، به‌عنوان مربی فوتبال فعالیت داشته‌ام. مربیگری بنده از سال ۱۳۵۸ تاکنون بوده است. مربیگری‌ام را از تیم تام اصفهان شروع کردم و سال‌ها در باشگاه تام مربی فوتبال بودم. علاوه بر آن، در باشگاه ذوب‌آهن و پلی‌اکریل هم مربیگری کردم و مدت زیادی هم در باشگاه سپاهان به‌عنوان مربی نوجوانان فعالیت داشته‌ام. در حال حاضر عضو شورای عالی باشگاه سپاهان و سرمربی و پیش‌کسوت این باشگاه هستم.

ویژگی‌ها و مهارت‌های یک فوتبالیست حرفه‌ای

جوانانی که علاقه‌مند به یادگیری ورزش فوتبال هستند، باید بدانند که اول از همه باید استعداد انجام این کار را داشته باشند؛ در غیر این صورت، وقتشان را در این رشته تلف می‌کنند. مدارس باید استعداد دانش‌آموزان را در این زمینه کشف کنند. یادم می‌آید در ایام نوجوانی که در دبیرستان هراتی درس می‌خواندم، از هشت بازیکن فوتبال که در زمین بازی بودند و قبلا استعدادیابی شده بودند، هفت نفر آن‌ها عضو تیم منتخب اصفهان شدند. جای تأسف دارد که در حال حاضر استعدادیابی مدارس در این زمینه بسیار ضعیف شده و باشگاه‌ها بیشتر روی این زمینه کار کرده‌اند و شاخص هستند.

چرخابی که عمرش را در فوتبال گذرانده و سختی زیادی در این مسیر تحمل کرده است، حرف‌های زیادی برای نسل امروز دارد. او دغدغه‌هایش را اینطور مطرح می‌کند: «امروزه مشاهده می‌کنیم بسیاری از خانواده‌ها به ورزش‌کردن فرزندان خود علاقه‌مند هستند. به این گروه از خانواده‌ها توصیه می‌کنم اگر فرزندشان استعداد بازی در ورزش فوتبال را ندارد، سعی کنند ورزش دیگری را برای فعالیت او انتخاب کنند و اگر فرزندشان دوست دارد که ورزش فوتبال را بازی کند، به او اجازه انجام این فعالیت را بدهند؛ اما انتظار قهرمان‌شدن فرزندشان را در این رشته ورزشی نداشته باشند؛ به این دلیل که احتمال دارد فرزندشان استعداد لازم را در این رشته ورزشی نداشته باشد.»

چرخابی در خصوص ویژگی‌ها و مهارت‌های یک فوتبالیست حرفه‌ای تاکید می‌کند: «به نظرم یک فوتبالیست حرفه‌ای برای اینکه بتواند در این رشته ورزشی موفق عمل کند، باید آگاه باشد. با توجه به اینکه فوتبال رشته ورزشی بسیار شاخصی است، ضرورت دارد که فوتبالیست حرفه‌ای از سرعت، هوش و استایل بدنی لازم برای این ورزش برخوردار باشد تا بتواند در این رشته موفق عمل کند. اگر ورزشکاری این سه ویژگی را نداشته باشد، مربی ورزشی هم نمی‌تواند تأثیری در موفقیت فرد داشته باشد؛ به این دلیل که مربی تنها می‌تواند تکنیک‌ها و تاکتیک‌های فوتبال را به ورزشکار یاد دهد؛ یعنی اگر ورزشکار سرعت، هوش، استایل بدنی و استعداد لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند در این رشته ورزشی موفق شود.»



اکرم کیانی

سینمای چندبعدی شهدا

گفت‌وگو با علی جولایی، مدیر انجمن شهید عبدالله میثمی



منیره فهامی

باران نم‌نم می‌بارد؛ قطره‌ها آرام بر سنگ‌فرش‌های گلستان شهدا می‌نشینند و فضای این قطعه از تاریخ، رنگی از دل‌تنگی به خود گرفته است. در میان مزارهایی که هرکدام روایتی از عشق، ایثار و روزهای سخت نبرد را در دل خود جای‌داده‌اند، گروهی از ناشنوایان استان خراسان به مهمانی شهدا آمده‌اند؛ مهمانانی که شاید صدای راوی را نشنوند؛ اما برای شنیدن روایت روزهای حماسه، با زبان نگاه و اشاره همراه او می‌شوند.

تور گلستان‌گردی انجمن شهید عبدالله میثمی فرصتی است تا این مهمانان از میان مزارها و یادمان‌ها عبور کنند و با قصه آدم‌هایی آشنا شوند که روزگاری برای دفاع از سرزمینشان قدم در میدان نبرد گذاشتند. راوی از تلخی‌ها و شیرینی‌های جنگ می‌گوید؛ از تصمیم‌ها، عملیات‌ها، دلاوری‌ها و آدم‌هایی که نامشان در تاریخ این سرزمین ماندگار شده است.

در چنین روزی، میان باران و روایت، فرصتی فراهم شد تا پای صحبت‌های علی جولایی، مدیر انجمن شهید عبدالله میثمی بنشینیم؛ مجموعه‌ای که سال‌هاست در حوزه ایثار و شهادت فعالیت می‌کند و می‌کوشد پلی میان نسل امروز و خاطرات دیروز بسازد.

روایت جنگ؛ درست بنویسیم، نه درشت

انجمن شهید عبدالله میثمی مجموعه‌ای فعال در حوزه ایثار و شهادت است که از سال ۱۳۹۲ با مجوز وزارت ورزش و جوانان فعالیت می‌کند. محل استقرار انجمن از ابتدای تأسیس تاکنون در خیابان آیت‌الله خراسانی، روبه‌روی ورزشگاه سجادی بوده است. از سال ۱۳۸۸ در حوزه روایتگری و راهنمای گردشگری تخت فولاد فعالیتم را شروع کردم و از سال ۱۳۹۰ تمرکز تخصصی خود را بر موضوع شهدا و شهادت گذاشتم. تلاش ما در این مجموعه این است که جنگ را درست، منطقی و علمی تبیین کنیم؛ به شکلی که نسل جوان بتواند آن را بپذیرد و با آن ارتباط برقرار کند. یکی از آسیب‌های روایت دفاع مقدس در سال‌های گذشته، غلبه نگاه بیش‌ازحد احساسی و تمرکز فراوان بر کرامت‌ها و جنبه‌هایی بوده که بیشتر برای مخاطبان دارای باورهای مذهبی آشناست. این شیوه، گاهی فاصله‌ای میان روایت‌های رسمی و ذهن پرسشگر نسل جدید ایجاد کرده است.

باید به چرایی‌های جنگ و عملیات‌ها پاسخ بدهیم. اینکه چرا در مقطعی خاص، با تعداد مشخصی از نیروها عملیاتی انجام‌شده، چه شرایطی بر تصمیم‌گیری‌ها حاکم بوده و هر اتفاق چه دلایل و پیامدهایی داشته است، پرسش‌هایی هستند که باید با منطق، علم و مستندات به آن‌ها پاسخ داد. رهبر شهید نیز بارها بر ضرورت پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها تأکید کرده بودند. جنگ را باید درست نوشت، نه درشت.



بیش از ۷۰۰ تور گلستان‌گردی؛ روایت‌هایی برای نسل امروز

یکی از شاخص‌ترین فعالیت‌های انجمن شهید عبدالله میثمی، برگزاری تورهای گلستان‌گردی و روایتگری در گلستان شهدای اصفهان است؛ برنامه‌هایی که در طول سال‌های فعالیت مجموعه، بیش از ۷۰۰ بار برگزار شده‌اند. در برخی روزها چهارپنج تور برگزار می‌کنیم. برنامه‌ها از ساعت ۸ صبح آغاز می‌شود و تا پس از اذان مغرب ادامه دارد. تلاش کرده‌ایم در این سال‌ها مفهوم گردشگری جنگ و دفاع مقدس را در میان مخاطبان جا بیندازیم؛ مفهومی که در سال‌های اخیر بیشتر موردتوجه قرار گرفته است.

در تورهای گردشگری گلستان شهدا از صنف‌ها و قشرهای مختلف با گروه سنی مختلف شرکت می‌کنند. فضای گلستان شهدا یکی است؛ اما نمی‌توان برای همه مخاطبان یک روایت ثابت داشت. باید متناسب با سن، نیاز، شناخت و ویژگی‌های هر گروه، شیوه بیان و مسیر بازدید را انتخاب کرد. حتی باید انتخاب شهدا برای روایتگری کودکان با انتخاب شهدا برای دانشجویان متفاوت باشد. قرار نیست چند مطلب مشخص را حفظ کنیم و برای همه گروه‌ها همان‌ها را تکرار کنیم؛ بلکه باید متناسب با گروه سنی و نیاز مخاطب، شهدایی را معرفی کنیم که الگوهای شاخص و اثرگذاری برای او باشند.

البته برخی فرماندهان و شهدای شاخص در بیشتر تورها معرفی می‌شوند؛ اما بخش دیگری از روایت‌ها با توجه به شرایط زمانی و موقعیت مخاطب انتخاب می‌شود. برای نمونه، در تابستان از عملیات‌هایی که با سرمای شدید کردستان همراه بوده‌اند کمتر صحبت می‌کنیم و در زمستان نیز به عملیات‌هایی که در گرمای طاقت‌فرسای تابستان انجام‌شده‌اند نمی‌پردازیم. تلاش ما این است که میان شرایط زمانی، موضوع روایت و تجربه ذهنی مخاطب ارتباط برقرار کنیم تا روایت برای او ملموس‌تر و ماندگارتر شود.

وقتی روایتگر پیر می‌شود، ابزار روایت باید تازه شود

راویان و شاهدان جنگ هشت‌ساله ما اکنون سن بالایی دارند. برخی از آن‌ها نیز به‌دلیل جراحات جسمی و آسیب‌های روحی دوران جنگ، بخشی از خاطرات خود را فراموش کرده‌اند یا جزئیات اتفاقات را با تغییراتی به یاد می‌آورند. از سوی دیگر، ممکن است مخاطب جوان نتواند با شیوه بیان برخی از این راویان ارتباط مؤثری برقرار کند؛ بنابراین باید هم ابزارهای روایتگری را به‌روز کنیم و هم زمینه حضور و تربیت راویان جوان را فراهم آوریم.

سینمای چندبعدی شهدا؛ ایده‌ای برای لمس لحظه‌های جنگ

یکی از پیشنهادهایی که در سال‌های گذشته مطرح کرده‌ایم، ایجاد سینمایی چندبعدی برای نمایش عملیات‌های دوران جنگ است؛ فضایی که مخاطب تنها بیننده تصویر نباشد؛ بلکه بتواند بخشی از شرایط محیطی عملیات را نیز احساس کند. تصور کنید مخاطب فیلمی از حرکت یک بلم روی آب را تماشا می‌کند؛ نیزارها در حال سوختن هستند و بوی سوختگی در فضا می‌پیچد. مخاطب تکان‌های بلم را احساس می‌کند و هنگام انفجار و پاشیدن آب، قطرات آب را نیز لمس می‌کند. در چنین فضایی، رایحه، حرکت و دیگر ابزارهای حسی به کمک تصویر می‌آیند تا مخاطب تجربه‌ای نزدیک‌تر به فضای عملیات داشته باشد.

در کنار این فناوری‌ها، هوش مصنوعی نیز ظرفیت‌های تازه‌ای برای تولید محتوای تصویری و بازآفرینی بخش‌هایی از تاریخ دفاع مقدس فراهم کرده است. تمام طرح را آماده کرده‌ایم و جانمایی هم انجام‌شده است. از تهران برای اجرای این طرح در باغ‌موزه دفاع مقدس درخواست‌هایی مطرح شد؛ اما ترجیح ما این بود که این طرح باید در اصفهان اجرا شود؛ چون اصفهان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین در دوران جنگ همواره پیشگام بوده است. اگر هر سازمانی، به‌ویژه شهرداری اصفهان، برای اجرای این طرح اعلام آمادگی کند، امکان استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده وجود دارد. سه محل شامل سالن شمع و خیمه قدیم گلستان شهدا و هنرستان واقع در ابتدای گلستان شهدا برای بررسی و اجرای طرح هم پیشنهاد شده‌اند؛ همچنین پیشنهاد ایجاد استخری برای بازنمایی عملیات‌های آبی‌خاکی، ازجمله کربلای ۳ و ۴ نیز مطرح شده است.

تربیت راوی؛ نیازمند آموزش تخصصی

سال ۱۳۹۴، با مشارکت فرهنگ‌سرای پایداری، دومین دوره روایتگری را برگزار کردیم که خودم دبیر اجرایی آن بودم. بیش از ۵۰ نفر در این دوره ثبت‌نام کردند و دختران نیز استقبال خوبی داشتند که اکنون بسیاری از آن‌ها در اردوهای راهیان نور مشغول هستند. دوره‌های بعدی با همان کیفیت ادامه نیافتند و هزینه‌های آموزشی یکی از موانع بود. بیش از ۹۰ عملیات بزرگ در دوران دفاع مقدس انجام شده که هرکدام باید به‌درستی در این دوره‌ها تبیین شوند.

خاطرات شهدا در فضای دیجیتال

جمع‌آوری خاطرات شهدا، تولید محتوای مکتوب و انتقال آن به فضای دیجیتال از دیگر فعالیت‌های انجمن است. گرانی کاغذ و هزینه‌های چاپ، انتشار کتاب را دشوار کرده و باید از ابزارهایی مانند تلفن همراه هوشمند برای دسترسی جوانان به خاطرات شهدا استفاده کنیم. انجمن بسیاری از خاطرات شهدا را گردآوری و آماده کرده و در اختیار مجموعه‌های فعال در حوزه تولید محتوا قرار داده است.

از دیگر فعالیت‌های انجمن ثبت تاریخ شفاهی است که در استودیوی مجموعه انجام می‌شود. طرح گویاسازی وصیت‌نامه‌های شهدا نیز با همکاری فرهنگ‌سرای پایداری و مشارکت جوانان در جریان است.

پیش از آغاز جنگ، دوره فن بیان و مهارت‌های صدا و صوت را به مدت حدود ۶۰ ساعت برگزار کردیم. نفرات برتر در طرح گویاسازی مشارکت کردند و اکنون هر هفته، پنجشنبه و جمعه، بیش از ۳۰ وصیت‌نامه شهدا آماده و گویاسازی می‌شود. قرار است این آثار در برنامک «آسمانی‌ها» رونمایی شوند.

کاهش نیروها و ضرورت حمایت زیرساختی

مجموعه ما زمانی بیش از ۷۰ عضو داشت؛ اما به‌دلیل شرایط اقتصادی، اکنون تعداد نیروها به حدود ۱۰ نفر رسیده است. این افراد نیز شغل دیگری دارند و به‌صورت داوطلبانه و جهادی فعالیت می‌کنند. حمایت مالی مقطعی به‌تنهایی پاسخ‌گو نیست و سازمان‌های مرتبط باید زیرساخت‌هایی فراهم کنند تا مجموعه‌های فرهنگی بتوانند درآمد پایدار داشته باشند. سینمای چندبعدی شهدا نمونه‌ای از این رویکرد است. با یک‌بار سرمایه‌گذاری در چنین طرحی می‌توان سال‌ها بهره‌برداری و بخشی از هزینه‌های فعالیت‌های فرهنگی را از محل درآمد آن تأمین کرد.

حفظ میراث دفاع مقدس نیازمند روایت علمی، تربیت راویان توانمند و استفاده از ابزارهای متناسب با نسل امروز است؛ مسیری که می‌تواند خاطرات شهدا را از قالب روایت‌های تکراری بیرون بیاورد و به تجربه‌ای ماندگار برای نسل‌های آینده تبدیل کند.

روایت خدمت در کوچه‌های چرخاب

گفت‌وگو با علی لطفی، فرمانده پایگاه بسیج مسجد جوادالائمه(ع)


مریم نقیان



در کوچه‌های پرپیچ‌وخم محله چرخاب، جایی که بوی اصالت اصفهان در هر گوشه به مشام می‌رسد، فعالیت‌های مردمی رنگ‌وبویی متفاوت دارد. در اینجا، مسجد جوادالائمه(ع) تنها مکانی برای عبادت نیست؛ بلکه کانون حرکتی است که از کلاس‌های تقویتی دانش‌آموزان شروع شده و تا موکب‌های پرجمعیت در چهارباغ ادامه می‌یابد. برای درک این پویایی، به سراغ مردی رفتیم که سال‌هاست مسئولیت هدایت این جریان اجتماعی را بر عهده دارد: علی لطفی، دکتری علوم قرآن و فرمانده پایگاه بسیج این محله.

علم؛ ستون فقرات حرکت اجتماعی

فرمانده پایگاه بسیج جوادالائمه(ع) معتقد است که اگر قرار است جامعه‌ای ساخته شود، باید از پایه یعنی دانش‌آموزان شروع کرد. او با لحنی متین از تلاش‌های آموزشی خود می‌گوید: «ما در این سال‌ها، همواره تلاش کردیم تا سطح علمی دانش‌آموزان را ارتقا دهیم. باور ما این است که ایمان بدون دانش، ناقص است؛ به همین دلیل کلاس‌های تقویتی را باهدف تقویت بنیه علمی و معنوی برگزار کردیم تا فرزندان این محله هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی توانمند شوند.»

لطفی با اشاره به روزهای پرشور جنگ رمضان می‌افزاید: «حتی در شب‌های جنگ رمضان فعالیت ما قطع نشد. ما میزهای رفع اشکال را برای دانش‌آموزان مهیا کردیم تا در فضای معنوی موکب تجمعات مردمی و مسجد، تکالیف خود را با آرامش بنویسند. خوشبختانه همکاری معلمان در این مسیر بسیار چشمگیر بوده است.»

هنر و ورزش؛ شکوفایی در مسیر تعالی

اما حرکت بسیج جوادالائمه(ع) تنها در فضای کتاب و دفتر خلاصه نمی‌شود. این فعال فرهنگی با اشتیاق از تجربه‌های هنری محله می‌گوید. او از نمایش‌هایی یاد می‌کند که برخلاف تصور عمومی، در فضای باز و خیابانی اجرا شده‌اند: «ما تلاش کردیم هنر را به مردم نزدیک کنیم. برگزاری کلاس‌های مختلف هنری و حتی اجرای نمایش‌های خیابانی در چهارباغ که خود اهالی بازیگران آن بودند، تجربه‌ای بود که تماشاگران را درگیر کرد. حدود ده شب، نمایش‌های ما در فضای باز چهارباغ اجرا شد و استقبال مردم، انرژی تازه‌ای به ما داد.»

در حوزه تربیت‌بدنی نیز، فرمانده پایگاه بسیج جوادالائمه(ع) معتقد است ورزش ابزاری برای نظم و سلامت است: «در حوزه ورزشی نیز بسیار فعال هستیم. برگزاری مسابقات، کلاس‌های مختلف و حتی برنامه‌هایی مثل کوهنوردی و استفاده از امکانات استخر و فوتسال را در دستور کار داریم تا جوانان را در مسیرهای درست هدایت کنیم.»

از شورِ خیابان تا آرامشِ موکب

یکی از بخش‌های حساس صحبت‌های لطفی، بازخوانی رویدادهای اجتماعی و مذهبی است. او با یادآوری لحظات تاریخی، از همبستگی مردم می‌گوید. از تجمعات خودجوش در مسجد پس از جنگ رمضان گرفته تا حرکت خودرویی در سطح شهر، همگی نشان از پیوند عمیق مردم با ارزش‌ها داشت.

اما او معتقد است اوج خدمت، در ایام بحران و در قالب «موکب‌ها» تجلی می‌یابد. لطفی با جزئیات از فعالیت‌های موکب اهل‌بیت(ع) در چهارباغ خواجو که پس از آغاز جنگ شروع به فعالیت کرد می‌گوید: «با فعالیت در موکب، دیدگاه ما به خدمت گسترده‌تر شد. ما در موکب، میزهای خدماتی متنوعی داریم؛ برای مثال، میز مشاوره برای حمایت از خانواده‌ها، میز پایش سلامت برای ارائه خدمات پزشکی به مردم و حتی میز حجاب و عفاف را داریم. در میز حجاب، ما با خانم‌هایی که تمایل به گفت‌وگو دارند، با رعایت ادب و احترام، به دنبال تبیین ارزش‌های پوشش هستیم.»

میراثی از خدمت

گفت‌وگوی ما با علی لطفی، نشان داد که مدیریت یک پایگاه بسیج در محله‌ای مثل چرخاب، فراتر از یک مسئولیت اداری، یک رسالت انسانی است. از کلاس‌های آموزشی برای کودکان تا خدمات درمانی در موکب‌ها، همگی تکه‌ای از یک پازل بزرگ‌تر هستند؛ پازلی که هدفش ساختن جامعه‌ای است که در آن علم، هنر، ورزش و دین، همگی در خدمت آرامش و رشد انسان‌ها باشند.

زنانی در سایه محدودیت

در محله چرخاب، جایی که جریان گردشگری در چهارباغ، تضاد عجیبی با سکوت کوچه‌های قدیمی ایجاد کرده است، گروهی از بانوان با اراده‌ای پولادین، در پی ایجاد فضایی برای رشد معنوی و اجتماعی هستند. آن‌ها نه در ساختمان‌های باشکوه، بلکه در خانه‌های کوچک و صمیمی محله، دنیایی از علم، ورزش و گفت‌وگو بنا کرده‌اند.

طاهره سادات بنی‌طبا، فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت آمنه(س) مسجد جوادالائمه(ع)، زنی است که از سال ۱۳۹۴ تاکنون، مسیر دشوار فعالیت‌های اجتماعی را با تمام فرازونشیب‌های آن طی کرده است.

وقتی خانه، جایگزین مسجد می‌شود

بزرگ‌ترین چالش فعالیت‌های بانوان در این محله، نبود فضای اختصاصی است. فرمانده پایگاه بسیج حضرت آمنه(س) با نگاهی پر از چالش، از چالش‌های ساختاری با هیئت‌امنا می‌گوید: «ما باوجوداینکه در مسجد جوادالائمه(ع) مستقر هستیم؛ اما به دلیل عدم هماهنگی و چالش‌هایی که با هیئت‌امنا داشتیم، هنوز یک پایگاه فیزیکی و اختصاصی برای خواهران نداریم. حتی برای استفاده از زیرزمین مسجد جهت فعالیت‌هایمان، با محدودیت‌های جدی روبه‌رو شدیم. باوجوداینکه برای پروژه‌های عمرانی خیرانی را جذب کردیم؛ اما همکاری‌نکردن هیئت‌امنا مانع از آن شد که بتوانیم بستری مناسب برای بانوان فراهم کنیم.» اما این محدودیت، هرگز مانع از توقف فعالیت‌ها نشده است. او با لبخندی که نشان از استقامت دارد، می‌گوید: «وقتی راهی در مسجد بسته شد، ما خانه‌های محله را به پناهگاه خود تبدیل کردیم؛ برای مثال، پاتوق دختران جوان ۱۷ تا ۲۲ سال را در منزل یکی از اهالی محله برگزار می‌کنیم. در هر جلسه، با حضور مشاور، درباره موضوع‌های حیاتی زندگی مثل روابط و چالش‌های دوران جوانی بحث و گفت‌وگو می‌کنیم. حتی کلاس‌های ورزشی بانوان و کلاس‌های تخصصی نهج‌البلاغه، تفسیر قرآن و دعای توسل نیز در منازل بانوان محلی جریان دارد تا این زنجیره قطع نشود.»

از هوش مصنوعی تا کلاس‌های خلاقیت

با وجود این محدودیت‌ها، سطح علمی فعالیت‌ها در مسجد جوادالائمه(ع) بسیار بالاست. بنی‌طبا از برگزاری کلاس‌هایی می‌گوید که فراتر از آموزش‌های سنتی است: «ما برای کودکان پنج تا هفت سال، کلاس‌های هوش مصنوعی برگزار می‌کنیم. این کلاس‌ها که در ابتدا برای بازه تابستانی طراحی شده بود، به دلیل استقبال بی‌نظیر مردم محله، اکنون به‌صورت مستمر و در تمام فصول سال ادامه دارد؛ همچنین کلاس‌های خلاقیت و آموزه‌های قرآنی را نیز به همان شیوه، با تمرکز بر مهارت‌های نوین ادامه می‌دهیم. فعالیت‌های این پایگاه، ریشه‌های عمیق انقلابی دارد.»

او با یادآوری خاطرات دوران جنگ رمضان، از سازمان‌دهی حرکت‌های کوبنده در محله می‌گوید: «در دوران جنگ رمضان، ما با خواندن حدیث کسا در مسجد، حرکت‌های دسته جمعی را در محله سازمان‌دهی کردیم تا شعارهای انقلابی در دل چرخاب طنین‌انداز شود. این مسیر بعدها به حرکت‌های خودرویی در سطح شهر نیز گسترش یافت. اکنون در قلب گذرگاه چهارباغ، میز تبیین خود را برپا کرده‌ایم. هر شب بانوان متخصص ما با رهگذران به گفت‌وگو می‌نشینند. این کار باعث شده که حتی "قشر خاکستری" نیز با ما همراه شوند. ما تلاش می‌کنیم تا این افراد را هم به سمت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جذب کنیم.»

چرخاب و باغ‌هایی که خاطره شدند

کسبه قدیمی خیابان فردوسی، از گذشته خیابان می‌گویند

زهره‌سادات کاظمی

خیابان فردوسی اصفهان را امروز با مغازه‌های لوازم الکتریکی، روشنایی و رفت‌وآمدهای شلوغش تا پاسی از شب می‌شناسیم؛ اما برای کسی که از سال ۱۳۶۵ در این خیابان کاسبی کرده، فردوسی روزگاری متغیر داشته است. برای شنیدن روایت این دگرگونی، سراغ قدیمی‌ترین کسبه این محدوده رفتیم تا روایت آن‌ها در خصوص گذشته محله و خیابان فردوسی و تحولات آن را بشنویم.



نسل‌درنسل در پیشه کفاشی

«مسعود سروش»، کفش‌فروش باسابقه خیابان فردوسی یکی از قدیمی‌های این خیابان است. ریشه شغل خانوادگی سروش به سال‌ها دور برمی‌گردد؛ میراثی که از پدر، پدربزرگ و نسل‌های پیشین به او رسیده است، او می‌گوید: «این شغل، پیشه قدیمی پدرم است. پدرم از بچگی توی این شغل بوده و پدرِ پدربزرگم نیز همین حرفه را داشتند. ما نسل‌درنسل کفش‌فروش و تولیدکننده کفش بوده‌ایم. اگر بخواهید حساب کنید، از حدود ۱۵۰ سال پیش خاندان ما در کار تولید و فروش کفش بوده است. اجداد ما ابتدا در تهران و قم بودند و سپس به اصفهان آمدند و ما از نسل اصفهانی خاندان هستیم.»

فردوسیِ سال ۶۵؛ از زمین‌های کشاورزی تا خلوتیِ شبانه

سروش کمی فکر می‌کند تا خاطرات ۴۰ سال پیش به‌درستی به خاطرش بیاید: «آن زمان اصلا این تعداد مغازه برقی توی خیابان نبود. در سال ۶۵ فقط یک مغازه الکتریکی در این خیابان وجود داشت؛ درست روبه‌روی دفتر روزنامه شما. مابقی دکان‌ها کم بودند و بیشتر خانه‌هایی بودند که بعدها برای گسترش خیابان تخریب شدند و جای خود را به مغازه‌ها دادند. همه شغلی داخل خیابان بود. پل فردوسی هم حوالی سال‌های ۱۳۶۱ زده شد و ما زمانی که آمدیم، حدود دو سال از ساخت این پل می‌گذشت.»

او از سکوت و خلوتی شبانه آن سال‌های خیابان یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: «سال ۶۵ ساعت ۸ شب همه‌جا بسته می‌شد و مردم به خانه‌هایشان می‌رفتند. تقریبا سر شب مغازه‌ها تعطیل می‌شد. دهه ۷۰ کاسبی خاصی در خیابان نبود که بخواهد رونقی داشته باشد. در این راسته یک قصابی، عکاسی، خیاطی و نانوایی بود که آن‌ها هم ساعت ۸ شب کرکره‌ها را پایین می‌کشیدند. انتهای راسته هم مغازه ما بود و یک آب‌میوه‌فروشی قدیمی؛ اما امروزه تا ساعت ۱۰ شب همه مغازه‌ها باز هستند و تا دیروقت رفت‌وآمد ماشین‌ها و شلوغی جریان دارد.»

خیابان فردوسی حالا به مکان لوازم الکترونیکی و برقی شهرت دارد. این کاسب قدیمی محله از تغییر چهره خیابان فردوسی به‌مرور و تبدیل‌شدن به چهره برق صنعتی و الکتریکی می‌گوید: «از حدود سال ۱۳۸۰ به بعد بود که صنف برق و صنعت به‌مرورزمان وارد این خیابان شد و روشنایی گسترش یافت و چهره خیابان عوض شد. ساختمان‌های تجاری مختلفی ساخته شدند و خیابان شکل امروزی و به‌روز به خود گرفت.»

رکود بازار چرم در برابر رونق صنف برق

کفش‌های چرم هنوز به دیوار مغازه خودنمایی می‌کند و سروش توانسته در میان کاسب‌هایی که همگی شغل یکسانی دارند، دوام بیاورد. تغییرات در خیابان فردوسی و کم‌شدن مشتری‌ها یکی از ثمرات تغییر در این خیابان بوده است. او درخصوص تفاوت کاسبی دیروز و امروز توضیح می‌دهد: «از سال ۶۵ تا کنون، جنس کفش‌های ما فرقی نکرده و همچنان از همان کارخانه و جنس سابق را می‌آوریم؛ اما فروش بسیار فرق کرده است. دهه ۸۰ و ۹۰ کاسبی خوبی داشتیم؛ اما امروزه هم جنس (چرم) گران است و هم متأسفانه مشتری نیست. مشتری ها دیگر توی این خیابان برای کالای مربوط به تأسیسات برق می‌آیند. البته کاسبان رشته برق گلایه‌ای ندارند؛ چراکه اینجا مرکز لوازم برقی است و کارشان رونق دارد؛ اما شغلی مثل کارِ ما در این خیابان کمتر دیده می‌شود.»

نیم قرن تجربه کاسبی در محله

در کنار کسبه‌هایی که در خیابان فردوسی مشغول به فعالیت هستند، کسبه قدیمی که نزدیک به یک دهه در این خیابان کسب روزی می‌کنند، چندان زیاد نیستند. یکی از کسبه باسابقه این محدوده، احمد عجمی است که بیش از نیم قرن (حدود ۵۴ سال) در این منطقه حضور داشته و دگرگونی‌های خیابان و محله را از زاویه‌دید خودش روایت می‌کند.

صندلی‌های پلاستیکی را که مدل‌های مختلف و رنگ‌های جذابی دارد چیده روبه‌روی مغازه. مغازه خیلی قدیمی است و شکل وشمایلش به خوبی می‌تواند از سن بالایش بگوید. عجمی روی صندلی مقابل مغازه جابه‌جا می‌شود و می‌گوید: «سال‌ها تولید مصنوعات فلزی داشتیم؛ ولی فعلا دیگر کارخانه را تعطیل کرده‌ایم و در کار فروش مصنوعات پلاستیکی که به‌اصطلاح سبک‌ترند، هستیم.»

بافت خانه‌های قدیمی و مغازه‌های محدود در گذشته

وقتی از او می‌پرسیم وضعیت محله در سال‌های دور چگونه بوده، به تک‌واحدی‌بودن خانه‌ها و محدودیت مغازه‌ها اشاره می‌کند: «در گذشته محله چرخاب خانه دوسه‌طبقه‌ای نداشت؛ خانه‌های قدیمی همه پلاک‌های ۴۰۰ و ۵۰۰ متری و به‌اصطلاح تک‌واحدی بودند. مغازه‌ای هم که آن موقع داخل این خیابان نبود. قنادی بهشت بود و آن موقع و مغازه سلماسی اول خیابان فردوسی که نمایندگی پنیر بلغاری و این‌ها را داشت. آموزشگاه رانندگی آسیا هم اینجا بود که وقتی ما آمدیم، هم‌زمان با ما حضور داشت. این تعمیرگاهی هم که همسایه ماست، از همان ابتدا اینجا فعالیت داشت. تعمیرگاه معروفی بود که خودرو "ژیان" و "رنو" تعمیر می‌کرد. باآنکه دیگر ژیان و رنو نیست؛ اما هنوز تابلو آن‌ها پابرجاست.»



باغ‌های بزرگ «عافیت» و حمام سنتی

او که سال‌ها ساکن محله بوده است و در کوچه‌های محله قدم زده است و زندگی کرده در خصوص وضعیت خیابان‌های اطراف می‌گوید: «در خیابان فردوسی و محدوده عافیت چند باغ بزرگ وجود داشت؛ مثلا عافیت، باغ آقای روغنی بود که الان آن را به چندین پلاک ۵۰۰متری تبدیل کرده‌اند. حمام عافیت هم در ابتدای خیابان عافیت بود؛ یک حمام سنتی و محلیِ نمره‌ای که ما هم از آن استفاده می‌کردیم. آن زمان دیگر خزینه نبود و دوش داشت و مردم از آن استفاده می‌کردند.»

از «شاه‌عباس خاکی» تا چهارسوی حسن‌آباد

عجمی به خاطرات خودش از خیابان فلسطین رجوع می‌کند و ادامه می‌دهد: «بافت خیابان فلسطین به همان حالتی بود که استانداری بوده است. داخل خیابان مسجد اقصی و کنیسه کلیمی‌ها رونق داشت و قدمت دارد. خیابان فلسطین به شاه‌عباس خاکی معروف بود. البته خاکی بودنش را آن‌طور که می‌گویند را ندیدم؛ اما تا سر چهارراه نقاشی آسفالت داشت و بعد از آن خاکی بود. وسط خیابان هم چهارسوی حسن‌آباد را داشتیم که به بازار حسن‌آباد و میدان وصل می‌شد. بافت تاریخی بازار از قدیم حفظ‌شده است؛ هرچند طاق بازار به خاطر خراب‌شدن طی زمان تغییراتی کرد؛ اما بافت کلی آن همان بافت سنتی و قدیمی باقی‌مانده و سال‌ها پیش مرمت‌شده است.»

پناهگاه کانون‌های فرهنگی

گفت‌وگو با مهدی صدری، امام جماعت مسجد الهادی(ع)



مریم نقیان



در محله‌ای که تاریخ با گردشگری گره‌خورده است، جایی که قدم‌زدن در چهارباغ بخشی از تجربه هر بازدیدکننده است، نیاز به فضایی برای سکون و هم‌زمان، حرکتی فرهنگی احساس می‌شود. مسجد الهادی(ع) در چرخاب، فراتر از یک بنای مذهبی، به یک «کانون فرهنگی» و «پایگاه استراتژیک» برای فعالیت‌های بسیجی تبدیل شده است.

اما این مسجد باتوجه‌به موقعیت جغرافیایی خاص خود، میان دو دنیای گردشگری و اداری، نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. مهدی صدری، امام‌جماعت این مسجد، با نگاهی وسیع، از نقش این بنا در میانه چهارباغ می‌گوید.

از جشن‌های غدیر تا مشاوره‌های شبانه

مسجد الهادی(ع) همواره با مناسبت‌های بزرگ، روح محله را تازه کرده است. امام‌جماعت مسجد الهادی(ع) با یادآوری فعالیت‌های گذشته، از برگزاری جشن‌های بزرگ غدیر و قافله غدیر در فضای چهارباغ می‌گوید: «ما همواره تلاش کرده‌ایم مناسبت‌هایی چون میلاد پیامبر(ص) را باشکوه برگزار کنیم؛ اما یکی از تجربه‌های ماندگار ما، برگزاری جلسات شب‌های جمعه در شبستان بیرون از مسجد بود. ما با چیدمان شکیل میز و صندلی، فضایی را فراهم می‌کردیم که فراتر از یک مراسم مذهبی، به یک مرکز مشاوره تبدیل شود؛ از مسائل مربوط به ازدواج و خانواده گرفته تا چالش‌های نوجوانان، همه در فضای صمیمی مسجد مورد بحث‌وبررسی قرار می‌گرفت.»

نوآوری در خدمت به نسل جوان از کافه‌بازی تا بازیکده

یکی از ویژگی‌های متمایز مسجد الهادی(ع)، رویکرد مدرن آن به جذب جوانان است. صدری با اشاره به تأسیس «کافه‌بازی» با امکانات عالی، از تحولی در نگاه به مساجد خبر می‌دهد: «ما با نگاهی به نیاز نسل امروز، یک کافه‌بازی زیبا و مجهز را در اختیار جوانان قرار دادیم. جالب اینجاست که اکنون شاهد هستیم که سایر مساجد و پایگاه‌های بسیج نیز برای استفاده از این ایده با ما هماهنگ می‌کنند. ما می‌خواهیم مسجد، فضایی جذاب و دوستانه برای جوانان باشد.»

او همچنین از پروژه‌ای نو در دست اجرا می‌گوید که باهدف تقویت بنیان‌های خانواده طراحی شده است: «در حال حاضر در حال آماده‌سازی "بام سبز" مسجد هستیم. این فضا که شامل یک بازیکده و یک آلاچیق بسیار شکیل است، باهدف ایجاد فضایی آرام و بااصالت برای جلسات خواستگاری و آشنایی جوانان باایمان طراحی شده تا این پیوندها در فضایی پاک و در قلب مسجد صورت گیرد.»

مسجد به‌مثابه پناهگاه انقلاب و مطالبه‌گری اجتماعی

مسجد الهادی(ع) تنها یک مرکز عبادی نیست؛ بلکه یک ایستگاه مطالبه‌گری است. امام‌جماعت مسجد از فعالیت‌های این مسجد در تعامل با نهادهای حاکمیتی سخن می‌گوید: «ما در این مسجد چندین بار فعالیت‌های مطالبه‌گری را با حضور شهردار، اعضای شورای شهر و نمایندگان مجلس پیش بردیم تا صدای مردم محله به گوش مسئولان برسد. مسجد ما اکنون به پاتوق انقلاب تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که کانون‌های فرهنگی و دوستان بسیجی، به دلیل امکانات و فضای عالی، تمام جلسات خود را در اینجا برگزار می‌کنند.»

صدری همچنین به نقش پشتیبان‌بودن مسجد در ایام حساس اشاره می‌کند: «در ایام جنگ رمضان و پس از شهادت رهبر، ما نیز به همراه موکب انقلاب، چایخانه مسجد را فعال کردیم تا در تجمعات شبانه به مردم خدمت کنیم. در واقع، مسجد الهادی در آن روزها نقش پشتیبان اصلی موکب‌های فعال در سطح شهر را ایفا می‌کرد.»

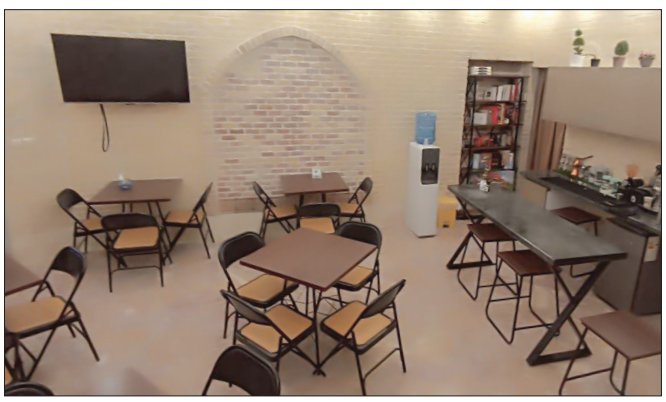
چالش بزرگ؛ میان شکوه چهارباغ و کمبود حمایت‌ها

اما در پایان این روایت پر از فعالیت، سایه‌ای از نگرانی نیز دیده می‌شود. موقعیت جغرافیایی مسجد در چهارباغ، اگرچه باعث توجه بالای گردشگران و تردد زیاد مردم می‌شود؛ اما ازسوی دیگر، فشار مسئولیت‌ها را دوچندان کرده است.

او با لحنی که در آن آمیزه‌ای از امید و گلایه نهفته است، به این چالش اشاره می‌کند: «باید این نکته را صادقانه بیان کنم؛ مسجد ما به دلیل قرارگیری در محدوده چهارباغ، در معرض رفت‌وآمد بسیار بالای گردشگران و مراجعان اداری است و از این ظرفیت برای خدمات‌رسانی استفاده زیادی می‌شود؛ باوجود این پویایی و حجم بالای فعالیت‌ها، متأسفانه با چالش کمبود حمایت‌های مالی از سوی مسئولان شهری روبه‌رو هستیم.ما بارها به مسئولان شهری اعلام کرده‌ایم که برای حفظ این سطح از خدمات و توسعه امکانات مسجد، به حمایت‌های مالی بیشتری نیاز داریم؛ اما هنوز آن‌طور که باید، موردتوجه قرار نگرفته‌ایم.»

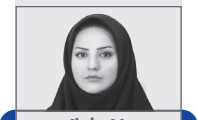
مسجد الهادی(ع) با ظرفیت‌های بی‌نظیر خود، از یک فضای مذهبی‌سنتی به یک کانون چندمنظوره تبدیل شده است؛ اما برای اینکه این موتور محرک فرهنگی در چرخاب، باقدرت به حرکت خود ادامه دهد، نیاز به نگاهی ویژه از سوی مدیران شهری دارد. این مسجد منتظر است تا حمایت‌های دولتی، هم‌سطح با فعالیت‌های پرشوری شود که در آن انجام می‌گیرد.





حکایت حمام‌ها

نگاهی به سرگذشت «حمام ستاری»؛ بنایی که روزگاری پاتوق تجار بود و بعدها زادگاه نخستین‌های اصفهان شد



سارا حفیظی

روایت حمام‌های تاریخی محله چرخاب صرفا داستانی از جنس آجر و ساروج و بخار آب نیست؛ مروری است بر تاریخ یک محله و گذر زمانی که سبک زندگی‌ها را تغییر داد. این حمام‌ها نه تنها محلی برای نظافت بودند؛ بلکه خاطرات جمعی اهالی محل را نیز در خود نگه‌داشته‌اند؛ هرچند که از آن‌ها تنها همین خاطرات باقی مانده است. در محله چرخاب سه حمام قدیمی وجود داشته: حمام مجیری، حمام ستاری و حمام عافیت. حمام مجیری در خیابان چهارباغ خواجو همچنان فعالیت می‌کند؛ اما حمام عافیت در ابتدای خیابان عافیت با ۹۰سال قدمت تبدیل به انباری شده و در کشاکش مسائل قانونی قرار دارد. حمام ستاری نیز دیگر حمام این محله است که داستانش شنیدنی است.

دلیل ساخت حمام

بنای این حمام به دهه ۳۰ بازمی‌گردد؛ آنجا که حاج عباس نژادستاری، در صف دوساعته برای کیسه‌کشی حمام عافیت قرار می‌گیرد و با ناراحتی به فکر ساخت حمامی می‌افتد که در شأن مردم محله باشد؛ بنابراین در ابتدای خیابان فردوسی که در گذشته به ستاری معروف بوده، حمامی می‌سازد که شکل مدرن‌تری نسبت به حمام‌های قدیمی داشته است. دو تن از معماران و کاشی‌کاران معروف آن زمان یعنی محمود ماهرالنقش و حیاتی در ساخت این حمام همکاری داشته‌اند. با نوه ایشان، مسعود نژادستاری در ساختمان تغییرکاربری‌یافته حمام گفت‌وگو می‌کنیم و از روند ساخت تا شکل تازه آن جویا می‌شویم.

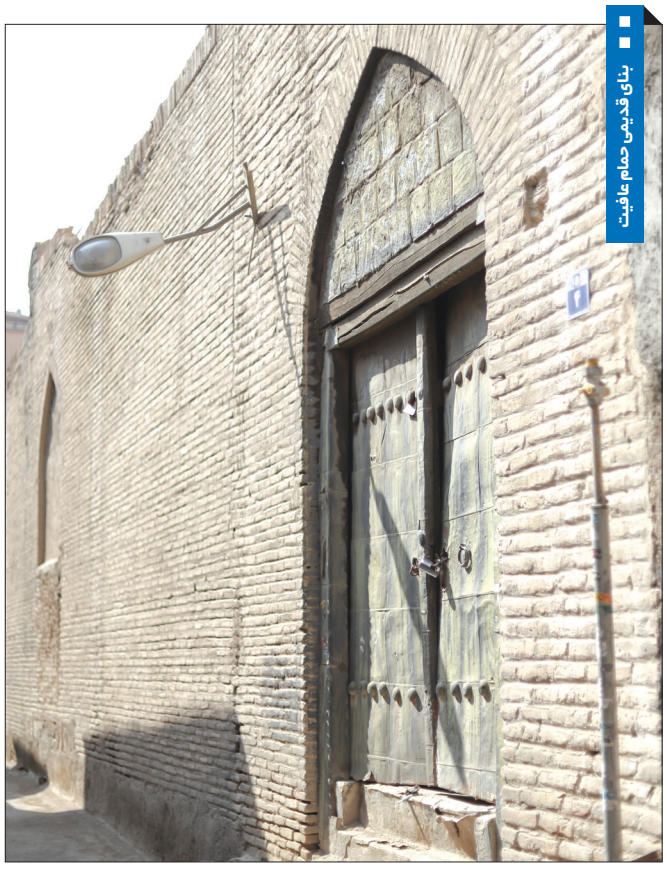
فضای قدیمی حمام

او درباره فضای کلی حمام می‌گوید: «به‌طورکلی، این حمام دارای دو بخش مجزای زنانه و مردانه بوده است. فضایی که در حال حاضر ما در آن نشسته‌ایم، طبقه پایین آن بخش زنانه حمام بوده و دقیقا شبیه همین، در کنارش بخش مردانه قرار داشته؛ یعنی کل این ساختمان در اصل حمام و طبقه بالا بخش انبار و تأسیسات بوده. جایی که الان نشسته‌ایم بخش اصلی حمام بوده؛ از پله‌ها که بالا آمدید، ورودی بخش زنانه بود که در ابتدا یک قسمت «انتظار» داشت، بعد فضای «رختکن» قرار داشت و پشت آن نمره‌ها تعبیه شده بودند. همچنین یک خزینه قدیمی و یک مخزن بزرگ آب که با ساروج ساخته شده بود، پشت ساختمان قرار دارد. درست به صورت آینه و قرینه همه این مواردی که گفتم، تا سر کوچه پریوش که اول خیابان فردوسی می‌شود، بخش مردانه حمام امتداد داشته است.»

او از هدف احداث این حمام و مدیریت اولیه آن نیز صحبت می‌کند: «تا جایی که من اطلاع دارم، پدربزرگ من با هدف آبادی این محله این حمام را ساختند. حاج عباس ستاری در واقع پدرِ مادر من هستند. پدر من هم (آقای محمدنژاد) در ابتدای تأسیس، در راه‌اندازی حمام کمک کردند. البته مسجد ستاری هم بوده که جزئیات دقیقش را نمی‌دانم. آن زمان‌ها که همه خانواده در یک خانه کنار هم زندگی می‌کردند، پدرم به خاطر سن بیشتری که نسبت به دایی‌های من داشتند، مثل فرزند ارشد پدربزرگم بودند و در کارها به ایشان کمک می‌کردند که راه‌اندازی و مدیریت این حمام هم یکی از آن‌ها بود. بعدها با لوله‌کشی و آمدن حمام به داخل خانه‌ها و افزایش سطح رفاه مردم، کارکرد حمام‌های عمومی تمام و این مجموعه تقریبا تعطیل شد. دوره ساخت حمام هم به مربوط دوران پهلوی دوم است که حدود دهه ۳۰ می‌شود.»



بنای تغییرکاربری‌یافته حمام ستاری



بنای قدیمی حمام عافیت

ابتکار در گرمایش

نژادستاری به یک ابتکار در حمام اشاره می‌کند: «حمام در قدیم گرم‌خانه‌ای داشت که ابتدا با هیزم و بعد با نفت سیاه کار می‌کرد. دود حاصل از احتراق و فاضلاب آن از طریق کانال‌های زیرزمینی از زیر کل حمام عبور داده می‌شد تا خارج شود و همین کار باعث گرمایش از کف کل حمام می‌شد. خروجی فاضلاب هم به کانال تازه‌تأسیس فاضلاب اصفهان وصل می‌شد. از نظر ظاهری، فضای داخلی حمام کاشی‌کاری یا نقش‌ونگار خاصی نداشت و کاملا ساده بود. آن دوران هم دوش به شکل امروزی نبود؛ بلکه لگن‌های آب و شیرآلات قدیمی همراه با سطل و طاس وجود داشت. هنگام بازسازی در دهه ۷۰، دیوارهای ۳۰، ۴۰ و ۵۰ سانتی‌متری حمام به دلیل سال‌ها جذب رطوبت، هنوز نم زیادی داشتند. ابتکار تیم معماری این بود که تمام آن دودکش‌ها و مسیرهای دودِ زیرزمینی را احیا کردند، روی آن‌ها کاشی‌های مشبک و سوراخ‌دار قرار دادند و آن‌ها را به ناکِش تبدیل کردند. این کار باعث شد ظرف چهارپنج ماه، تمام نم و رطوبت انباشته‌شده سازه به صورت یک تهویه و چرخش طبیعی کاملا تخلیه شود.»

حمام متمولین

حمام ستاری بیش از ۳۰ سال (از دهه ۳۰ تا سال‌های حدود ۶۰ تا ۶۴ خورشیدی) به فعالیت خود ادامه داده. این حمام به گفته نوه حاج عباس و برخی از اهالی قدیم محله، به‌عنوان «حمام متمولین» شناخته می‌شده؛ چرا که برخلاف بسیاری از گرمابه‌های عمومی سنتی، مجهز به بخش «نمره» (اتاق‌های اختصاصی) بوده است. کارمندان

اداری، تجار و طبقات مرفه برای حفظ آرامش و اطمینان بیشتر به این نمره‌ها می‌آمدند. این فضا حتی به محلی برای قرارهای کاری و معاملات تبدیل شده بود؛ چنان‌که بازاریان به هم می‌گفتند: «می‌روم حمام ستاری، آنجا قرارمان را می‌گذاریم» و عملا فضایی شبیه به لابی امروزی را در دل حمام تجربه می‌کردند.

شروع تغییرات و ایجاد نخستین‌ها

می‌پرسم پس از تعطیلی حمام، اولین تغییر کاربری‌ها از چه زمانی شروع شد: «بین سال‌های ۶۰ تا ۶۴ که حمام به مرور تعطیل شد، دو نفر از دایی‌های من دو کار را شروع کردند؛ بخش مردانه حمام تبدیل شد به "لابراتوار ستاری" که نخستین لابراتوار چاپ عکس رنگی در اصفهان بود. حتی تابلوی آن هنوز بالای پله‌ها هست. آن‌ها اولین مجموعه‌ای بودند که تکنولوژی چاپ عکس رنگی را وارد اصفهان کردند. طبقه پایین همین‌جا هم تبدیل شد به شرکتی که در حوزه تجهیزات خنک‌کننده فعالیت می‌کردند.»

در کنار لابراتوار عکس رنگی، کتاب‌فروشی قرار دارد که سال‌هاست فعالیت نمی‌کند و خاک می‌خورد. نژادستاری درباره این کتاب‌فروشی هم توضیحات جالبی می‌دهد: «بعد از مدتی فعالیت این دو مجموعه به پایان رسید تا اینکه در دهه ۷۰ اینجا دستخوش بازسازی و به کتاب‌فروشی تبدیل شد. در آن سال‌ها کتاب‌فروشی‌های اصفهان عموما متمرکز بر کتاب‌های درسی و کنکوری بودند؛ اما ما اینجا را با الگوبرداری از کتاب‌فروشی‌های بزرگ دنیا مانند فروشگاه «چیترز» مدل‌سازی کردیم؛ همان ایده‌ای که امروزه شهرکتاب‌ها اجرا می‌کنند. هدف این بود که فضای بزرگی باشد همراه با یک کافی‌شاپ، تا مخاطب بتواند کتاب بخواند و قهوه‌ای بنوشد. حتی بخشی برای گوش‌دادن به نوار کاست و CD موسیقی گذاشته بودیم تا افراد اول قطعات را بشنوند و بعد خرید کنند. به دلیل وسعت فضا و برای جلوگیری از سرقت، از هر کتاب یک جلد دم دست بود و نسخه دوم در انبار نگهداری می‌شد که در صورت درخواست مشتری برایشان می‌آوردند.»

به گفته او، تمرکز این کتاب‌فروشی عموما بر کتاب‌های فلسفی، اجتماعی و کتاب‌های نفیس بود و به هیچ عنوان کتاب درسی فروخته نمی‌شد. کتاب‌های فرهنگی و فکری جدید با تنوع دیدگاه‌های بسیار بالا عرضه می‌شد: «این مجموعه با مدیریت مادرم و دایی‌ام، آقای مصطفی نژادستاری، بازسازی و راه‌اندازی شد. در روز افتتاحیه و رویدادهای آن نیز چهره‌های بسیار شاخص و خاص فرهنگی شرکت داشتند که عکس‌های آن موجود است.»

او در پاسخ به این پرسش که شیوه بازسازی حمام در آن مقطع به چه صورتی بود و چه جزئیات فنی منحصربه‌فردی داشت، بیان می‌کند: «بخش زنانه حمام به طور کامل بازسازی شد. این بازسازی به سبک قدیمی، بدون تغییر در نقشه و فضا و با حفظ المان‌های تاریخی، توسط تیم مهندس مزیّن (از معماران برجسته اصفهان) صورت گرفت.»

او ماجرای استقرار نخستین شرکت اینترنتی اصفهان در این بنا را هم برایمان شرح می‌دهد: «پس از پایان بازسازی طبقه پایین، ما طبقه بالا را شروع کردیم. حدود ۲۸ سال پیش، شرکت "چاووش" را در اینجا تأسیس و راه‌اندازی کردیم. ما نخستین ارائه‌دهنده سرویس اینترنت در اصفهان بودیم و دیتای دانشگاه‌ها و صنایع بزرگ استان را تأمین می‌کردیم. این بنا چند ویژگی "اولین" دارد: اولین لابراتوار عکس رنگی، اولین کافه‌کتاب به سبک مدرن و اولین اینترنت اصفهان. حتی بخشی از کتاب‌فروشی طبقه پایین را به کافی‌نت تبدیل کرده بودیم و پنجشنبه صبح‌ها کلاس‌های رایگان آموزش اینترنت، جست‌وجوی یاهو و کار با ایمیل برای تجار و بازرگانان برگزار می‌کردیم که بسیار مورد استقبال قرار می‌گرفت.»

وضعیت فعلی بنا

به گفته نوه حاج عباس ستاری، متأسفانه به دلیل شرایط بازار نشر و کاهش خرید کتاب‌های نفیس و فرهنگی، کتاب‌فروشی از چند سال پیش تعطیل شد و اکنون طبقه پایین بیشتر حالت انبار پیدا کرده و وسایل سال‌ها در آن جمع شده است.

در قسمت کوچک باقی‌مانده از حمام نیز اتاق‌های نمره و اسکلت اصلی وجود دارند؛ اما دوش یا تأسیسات قدیمی نمانده است. البته در بخش پشتی ساختمان، هنوز ساختار خزینه قدیمی و مخزن ساروجی آب وجود دارد؛ اما وضعیت آن نابسامان است.

میراث ایثار در دل چرخاب

از وقف سخاوتمندانه تا بازسازی شکوه مسجد ستاری



در تاروپود محله چرخاب، نام «مسجد ستاری» با مفاهیمی چون ایثار، وقف و مقاومت گره‌خورده است. این بنا، تنها یک سازه از جنس سنگ و سیمان نیست؛ بلکه تجلی عهد و پیمانی است میان دو خانواده بزرگ منطقه که در پی ساختن خانه‌ای برای خدا بودند. داستان مسجد ستاری، از آنجا آغاز می‌شود که تغییرات شهری و ایجاد خیابان فردوسی، نیاز به فضایی برای عبادت را آشکار کرد و اینجاست که روایت سخاوت بی‌حدوحصر، رنگ دیگری به خود می‌گیرد.

وقتی سخاوت بر سود مقدم شد

تاریخ ساخت این مسجد، روایتگر شرافت انسانی است. مهدی مروی، عضو هیئت‌امنای مسجد ستاری در بازخوانی این وقایع می‌گوید: «زمانی که شهرداری در حال ایجاد خیابان فردوسی بود، مرحوم حاج عباس ستاری که از ملاکین بزرگ منطقه بود، تصمیم گرفت مسجدی بنا کند؛ اما با چالش کمبود زمین روبه‌رو شد. ایشان از مرحوم آقای چرخابی که در ته خیابان زمین داشت، درخواست کرد تا زمین را به او بدهد و در عوض، یکی از زمین‌های خود را به او واگذار کند. اما در اینجا بود که بزرگواری مرحوم چرخابی، تاریخ‌ساز شد. ایشان با قلبی مهربان اعلام کرد: "زمین برای مسجد می‌دهم؛ اما نیازی نیست که زمین دیگری به من بدهید." این زمین وقف‌شده، پایه و اساس مسجد شد و با تلاش مرحوم حاج عباس ستاری، بنا در سال ۱۳۷۱ هجری قمری تکمیل گردید.»

دوران طلایی و زخم‌های دوران مبارزه

مسجد ستاری پیش از انقلاب، مرکز حیات اجتماعی و فرهنگی محله بود. مروی با یادآوری مدیریت مرحوم آیت‌الله سیدمحمدعلی روضاتی و پسر ایشان، از شکوه فعالیت‌های آن زمان می‌گوید: «مسجد ستاری پیش از انقلاب بسیار فعال بود. شب‌های جمعه، جلسات سخنرانی مفصل با حضور شخصیت‌های معتبر شهر برگزار می‌شد که جوانان بسیاری را جذب می‌کرد. حتی برای نوجوانان نیز جلسات منظمی در روزهای یکشنبه برپا بود. کتابخانه مسجد نیز بسیار غنی بود؛ اما این مسیر بدون آسیب نبود. در سال ۱۳۵۴، ساواک با حمله‌ای به مسجد، بسیاری از کتاب‌های ارزشمند کتابخانه را غارت کرد و حتی مسئول کتابخانه را نیز بازداشت کردند.»

اما این فشارها، آتشِ مبارزه را شعله‌ورتر کرد. او با هیجان از نقش مسجد در انقلاب می‌گوید: «از سال ۱۳۵۶، فعالیت‌های سیاسی مسجد با شدت بسیار بالا گرفت. اعلامیه‌های امام‌خمینی در فضای مسجد تکثیر می‌شد. پس از پیروزی انقلاب، جوانان مسجد ستاری با سازمان‌دهی خود، برنامه‌های حفظ نظام را در پایگاه‌ها اجرا کردند و تا چندین ماه، کنترل و نظم محله را در دست داشتند تا پایگاه‌های بسیج شکل بگیرد. این مسجد، مهد تربیت شهدا و جانبازان جنگ تحمیلی نیز بود.»

چالش مدیریت و گذار به ساختار هیئت‌امنا

مسجد تا سال ۱۳۹۰ عمدتا به‌صورت شخصی اداره می‌شد و فرزندان مرحوم حاج عباس ستاری هزینه‌ها را تأمین می‌کردند؛ اما مدیریت وقف، پیچیدگی‌های خاص خود را داشت. عضو هیئت‌امنای مسجد ستاری با جزئیات این دوره می‌گوید: «مسجد با قوانین وقف پیچیده‌ای روبه‌رو بود. بر اساس وصیت مرحوم ستاری، باید از درآمد برخی کسب‌وکارها مانند "قنادی بهشت" و... هزینه‌های مسجد تأمین می‌شد. بااین‌حال، گاهی به دلیل فاصله فرزندان مرحوم از مدیریت روزمره و عدم اطلاع از جزئیات وقف، کم‌کاری‌هایی صورت می‌گرفت؛ بنابراین باهمت آیت‌الله روضاتی و سایر دوستان، در سال ۱۳۹۰ هیئت‌امنای مسجد تشکیل شد تا مدیریت به شکلی نظام‌مند درآید.»

نوسازی و بازسازی؛ بازگشت به شکوه

با افزایش جمعیت و شلوغی محله، نیاز به توسعه فیزیکی مسجد به یک ضرورت تبدیل شد. مروی با اشاره به اقدامات عمرانی اخیر بیان می‌کند: «باتوجه‌به افزایش جمعیت نمازگزاران، تصمیم گرفتیم در مسجد سقفی بزنیم تا فضای مفید برای نماز افزایش یابد. بر همین اساس، در سال ۱۳۹۵ اقدامات عمرانی گسترده‌ای از جمله افزایش مساحت و زیباسازی انجام شد. اکنون علاوه بر دو مغازه اصلی که بازسازی شده‌اند، دو مغازه دیگر نیز به دارایی مسجد اضافه شده است که درآمدهای حاصل از کرایه‌ها، پشتوانه مالی فعالیت‌های ما را تأمین می‌کند.»

او در پایان، به ساختار مدیریتی فعلی که ترکیبی از سنت و قانون است، اشاره می‌کند: «امروز مسجد ستاری دارای دو رکن مدیریتی است: هیئت‌امنا و متولی مسجد که بنا بر وصیت مرحوم حاج عباس چرخابی و به همت آیت‌الله صافی، از میان‌بستگان مرحوم چرخابی انتخاب شده است. این ساختار، هم وصیت واقف را پاس می‌دارد و هم با رویکرد هیئت‌امنا، مسجد را به سمتی مدرن و پاسخگو هدایت می‌کند.»

مسیری که هرگز متوقف نمی‌شود

مسجد ستاری، از یک زمین اهدایی در دل خیابان فردوسی، به یک مرکز مذهبی و اجتماعی تبدیل شده است که بار سنگین تاریخ و وظیفه را بر دوش می‌کشد. روایت مهدی مروی نشان می‌دهد که مسجد، تنها یک بنا نیست؛ بلکه پیوندی است میان سخاوت گذشتگان و تلاش امروز برای حفظ ارزش‌های ایمان و مقاومت.



مریم نقیان

محله‌ای در آغوش مشکلات زیرساختی

کمبود پارکینگ، ازدحام و ترافیک در محله چرخاب، مشکلاتی است که به مطالبه جدی مردم محله تبدیل شده است



زهره‌سادات کاظمی

محله چرخاب در منطقه۳ شهرداری اصفهان، محله‌ای قدیمی و بااصالت است. این منطقه تاریخی باسابقه و ساختار و کالبد ویژه خودش را دارد. چرخاب با وجود برخورداری از موقعیت شهری و قرارگرفتن در محدوده‌ای پرتردد، با مجموعه‌ای از مشکلات زیرساختی، ترافیکی و کالبدی مواجه است؛ مشکلاتی که بخشی از آن‌ها به وضعیت نامناسب معابر و پیاده‌روها بازمی‌گردد و بخشی دیگر، حاصل فرسودگی بافت شهری، بلاتکلیفی برخی فضاها و افزایش بار ترافیکی در خیابان‌های اصلی محله است. در این میان، خیابان‌های منوچهری، فردوسی، سیدعلی‌خان و کوچه‌های اطراف آن‌ها، بیش از سایر نقاط با مشکلاتی مواجه هستند که سامان‌دهی و رسیدگی به آن‌ها نیازمند توجه جدی مدیریت شهری است.

پیاده‌روها نیازمند بازسازی است

یکی از مسائل قابل‌توجه در چرخاب، وضعیت نامناسب پیاده‌روهاست. پیاده‌روهای خیابان منوچهری و محدوده‌های اطراف آن شرایط مناسبی برای تردد شهروندان ندارند. بهسازی و اصلاح آن‌ها از جمله مطالبات مهم محله به شمار می‌رود. نامناسب‌بودن مسیرهای پیاده‌روی، به‌ویژه برای سالمندان، کودکان و افرادی که با محدودیت حرکتی مواجه هستند، می‌تواند رفت‌وآمد روزمره را با دشواری همراه کند.

در کنار این موضوع، وضعیت جوی‌های خیابان‌های فردوسی و منوچهری نیز نیازمند رسیدگی است. فرسودگی و شرایط نامناسب این جوی‌ها، ضرورت بازسازی و سامان‌دهی آن‌ها را دوچندان کرده است.

یکی دیگر از مشکلات چرخاب، وضعیت نامشخص امتداد مادی نیاصرم در مجاورت کارخانه دخانیات است. این محدوده به حال خود رها شده و به دلیل بلاتکلیفی، به محلی برای بروز تخلفات و انباشت زباله تبدیل شده است. رهاشدگی این فضا علاوه بر ایجاد ناهنجاری‌های محیطی، چهره نامناسبی به بخشی از محله داده و ضرورت تعیین تکلیف و سامان‌دهی آن را مطرح می‌کند.

در همین زمینه، رهاشدن زباله در برخی معابر و آلودگی محیطی نیز از دیگر مشکلات محله است. سامان‌دهی نقاط مستعد انباشت زباله و رسیدگی مستمر به وضعیت نظافت معابر، از جمله مطالبات مردم محله است.



چرخاب و چالش بافت‌های فرسوده و ساخت‌وساز

بافت‌های فرسوده و محدوده‌های بلاتکلیف، بخش زیادی از محله چرخاب را درگیر کرده است. تعداد این بافت‌ها در محله چشمگیر و وضعیت نامشخص آن‌ها، یکی دیگر از مشکلات شاخص محله است. این مسئله در کنار باریکی معابر و محدودیت‌های کالبدی موجود، ضرورت توجه به ضوابط ساخت‌وساز و تناسب ارتفاع ساختمان‌ها با شرایط بافت محله را افزایش می‌دهد.

باریک‌بودن معابر در برخی بخش‌های چرخاب، امکان تردد مناسب و دسترسی آسان را محدود کرده است. در چنین شرایطی، رعایت تناسب ارتفاع ساختمان‌ها در ساخت‌وسازهای جدید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه بی‌توجهی به ویژگی‌های کالبدی محله می‌تواند مشکلات موجود را تشدید کند و بر کیفیت دسترسی و سکونت در این محدوده تأثیر بگذارد.

ترافیک فردوسی و کمبود شدید پارکینگ

خیابان فردوسی و کوچه‌های مشرف به آن از دیگر نقاط مسئله‌دار محله چرخاب هستند. ترافیک در این خیابان و معابر پیرامونی، رفت‌وآمد شهروندان را با مشکل مواجه کرده است. از سوی دیگر، کمبود شدید پارکینگ در این خیابان، به یکی از عوامل تشدیدکننده مشکلات ترافیکی تبدیل شده است. در این میان، صدور مجوزهای تجاری در خیابان فردوسی نیز از موضوع‌هایی است که باید با درنظرگرفتن ظرفیت معابر و امکانات پارکینگ محدوده بررسی شود.

افزایش فعالیت‌های تجاری بدون تأمین زیرساخت‌های متناسب، می‌تواند به افزایش حجم تردد خودروها و تشدید بار ترافیکی منجر شود؛ مسئله‌ای که در شرایط فعلی و با توجه به کمبود فضای پارک، فشار بیشتری بر معابر این محدوده وارد می‌کند؛ همچنین وجود مدارس متعدد در محله چرخاب و به خصوص در خیابان فردوسی و خیابان‌های مشرف به آن با توجه به عرض کم خیابان در ساعات پرتردد، مشکلات ترافیکی شدیدی را به وجود می‌آورد. قرارگرفتن مدرسه دخترانه ملک در کنار مادی نیاصرم نمونه بارز آن است. ترافیک شدید در هنگام تردد سرویس مدارس، خطر تردد دانش‌آموزان در کنار معابر باریک مادی با وجود تردد خودرو وموتورسیکلت و قفل‌شدن معابر اطراف مدرسه، مشکلات تردد اهالی محله را دوچندان کرده است.

در کنار مشکلات ترافیکی خیابان فردوسی، وضعیت پل فردوسی و حل‌نشدن مشکلات مربوط به آن نیز از دیگر موضوع‌های مهم محله است. مسائل مرتبط با این پل، همچنان بر عبور و مرور در محدوده تأثیرگذار است و ضرورت تعیین تکلیف و رفع مشکلات آن ضروری است.

با توجه به نقش این محدوده در تردد روزانه شهروندان، رسیدگی به وضعیت پل فردوسی و بهبود شرایط عبور و مرور در اطراف آن می‌تواند در کاهش بخشی از مشکلات ترافیکی محله مؤثر باشد. با آنکه سال‌ها پیش شهرداری، از اجرای طرح‌های توسعه‌ای برای حل‌شدن مشکل پل فرودسی و ترافیک شدید در خیابان‌های اطراف خبر داده؛ اما هنوز هیچ خبری از اجرای این طرح‌ها دیده نمی‌شود.

سدمعبر توسط پارک موتورسیکلت‌ها در معابر خیابان فردوسی، مشکل دیگری است که به محدودیت فضای عبور عابران پیاده دامن زده است. اشغال بخشی از معابر توسط موتورسیکلت‌ها، مسیر حرکت عابران را محدود و تردد در پیاده‌روها و فضاهای عبوری را دشوار می‌کند.

ضرورت نگاه یکپارچه به مشکلات چرخاب

مجموع مشکلات محله چرخاب نشان می‌دهد که مسائل این محدوده تنها به یک خیابان یا یک پروژه عمرانی محدود نمی‌شود.

از پیاده‌روهای نامناسب و جوی‌های فرسوده خیابان‌های منوچهری و فردوسی گرفته تا بلاتکلیفی امتداد مادی نیاصرم، بافت‌های فرسوده، معابر باریک، کمبود پارکینگ و مشکلات ترافیکی، همگی بخش‌هایی از چالش‌های به‌هم‌پیوسته این محله هستند. این مشکلات که در کل زندگی را برای اهالی محله چرخاب سخت کرده است، به مطالبه‌ای جدی از سمت آن‌ها تبدیل شده و از شهرداری خواستار حل این مشکلات به ویژه ترافیک، کمبود پارکینگ و ازدحام تردد در معابر این خیابان شده‌اند.

در چنین شرایطی، رسیدگی به مشکلات چرخاب نیازمند نگاهی جامع و هماهنگ است؛ نگاهی که در آن، اصلاح و بازسازی معابر، تعیین تکلیف فضاهای رهاشده، سامان‌دهی بافت‌های فرسوده، مدیریت ساخت‌وسازها و کنترل بار ترافیکی به‌صورت هم‌زمان موردتوجه قرار گیرد؛ همچنین بررسی تأثیر صدور مجوزهای تجاری بر ظرفیت معابر و تأمین پارکینگ متناسب با نیاز محدوده، می‌تواند از تشدید مشکلات موجود جلوگیری کند.





سامان‌دهی واحیای مادی نیاصرم

پاسخ روح الله ابوطالبی، مدیر منطقه۳ شهرداری اصفهان به مطالبات ساکنان محله چرخاب



زهره قندهاری

محله چرخاب در مرکز شهر اصفهان و در همسایگی محله‌های فتح‌آباد، هشت‌بهشت و عباس‌آباد قرار گرفته است. این محله که در منطقه ۳ شهرداری اصفهان واقع شده، از شمال به خیابان آمادگاه، از جنوب به خیابان کمال‌اسماعیل، از غرب به خیابان چهارباغ عباسی و از شرق به چهارباغ‌خواجو محدود می‌شود.

مجاورت با زاینده‌رود و فضاهای سبز شهری، چرخاب را به یکی از نواحی خوش‌اقلیم و معتدل اصفهان برای زندگی تبدیل کرده است؛ به طوری که هوای این محله نسبت به بسیاری از مناطق دیگر شهر دلپذیرتر است. محله چرخاب با مساحتی بالغ بر ۱۵۵هکتار، یکی از محله‌های تاریخی شهر به شمار می‌رود. بخش‌های عمده‌ای از این محله را بافت تاریخی تشکیل می‌دهد و به همین دلیل، میزان بافت فرسوده در آن صفر است. فضای سبز محله نیز ۱۵هکتار است که سهمی حدود ۱۰درصد از کل مساحت را شامل می‌شود. جمعیت ساکن در این محله نیز ۱۲هزار نفر برآورد شده است. در این محدوده معضلاتی وجود دارد که به روایت ساکنان آمده است و روح الله ابوطالبی، مدیر منطقه۳ شهرداری اصفهان، در این خصوص به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

ادامه مادی نیاصرم در کنار کارخانه دخانیات بلاتکلیف رها شده و به محل تخلف و انباشت زباله تبدیل شده است؛ چه اقداماتی برای تعیین تکلیف و پاک‌سازی آن انجام می‌شود؟

این محدوده از مادی نیاصرم، در مجاورت کارخانه دخانیات، به دلیل قرارگرفتن در بن‌بست و نداشتن مسیر تردد و دسترسی عمومی، متأسفانه به محلی برای تجمع زباله و ایجاد ناهنجاری‌های شهری تبدیل شده است. در همین راستا، شهرداری اصفهان طرح ویژه‌ای برای سامان‌دهی و احیای این محدوده تهیه کرده است. بر اساس این طرح، با مسدودسازی و محصورکردن بخش موردنظر، کاشت گونه‌های گیاهی مناسب و اجرای نورپردازی ویژه، تلاش می‌شود این فضا از وضعیت فعلی خارج شده و به محیطی زیبا، پاکیزه و مطلوب در منطقه تبدیل شود. خوشبختانه مراحل برنامه‌ریزی و تدوین طرح اجرایی انجام شده و اعتبار لازم نیز در بودجه سال جاری پیش‌بینی شده است تا ان‌شاءالله عملیات اجرایی آن در سال جاری آغاز و این محدوده ساماندهی شود.

بافت‌های فرسوده و بلاتکلیف در محله بسیار زیاد است. برنامه شهرداری برای نوسازی و تعیین تکلیف این بافت‌ها چیست؟

شهرداری دارای تیم‌های گشت و نظارت شبانه‌روزی است که وظیفه شناسایی املاک فرسوده و پرخطر در سطح منطقه را بر عهده دارند. در همین راستا، تعدادی از املاک پرخطر، از جمله املاکی در محله مادی نیاصرم، کوچه بنکدار، شناسایی شده و برای آن‌ها پرونده تشکیل شده است. این املاک در فهرست املاک



دارای اولویت رفع خطر قرار گرفته‌اند. با توجه به قرارگیری برخی از این بناها در محدوده بافت تاریخی، مکاتبات لازم با اداره میراث فرهنگی در حال انجام است تا با همکاری این مجموعه، اقدامات قانونی و اجرایی برای رفع خطر آن‌ها صورت گیرد؛

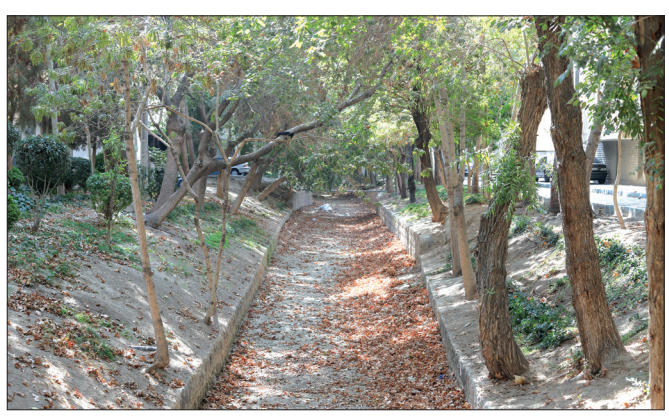
همچنین در یکی از املاک واقع در کوچه چرخاب که نمای ساختمان در وضعیت خطرناک و در آستانه ریزش قرار داشت، پس از اخطار شهرداری به مالکان، اقدامات لازم برای ترمیم نما و رفع خطر انجام شد. تمامی این اقدامات در چارچوب بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها انجام می‌شود. بر اساس این قانون، در صورت شناسایی بناهای خطرآفرین، برای مالکان اخطار قانونی صادر شده و در صورت لزوم، مراحل قانونی لازم برای رفع خطر پیگیری خواهد شد. در این راستا از شهروندان محترم تقاضا می‌شود در صورت مشاهده هرگونه ملک فرسوده، مخروبه یا پرخطری که احتمال ریزش یا ایجاد مزاحمت و خطر برای شهروندان دارد، موضوع را از طریق سامانه ۱۳۷ شهرداری اطلاع دهند تا مأموران منطقه۳ در محل حاضر شده، وضعیت ملک را بررسی و اقدامات قانونی لازم را پیگیری کنند. هدف شهرداری، پیشگیری از حوادث احتمالی، افزایش ایمنی شهروندان و ساماندهی املاک پرخطر در محله‌هاست.

معضل پارک موتورسیکلت‌ها در معابر و پیاده‌روهای خیابان فردوسی را چگونه حل می‌کنید؟

در راستای ساماندهی وضعیت تردد و پارک موتورسیکلت‌ها در خیابان فردوسی و با هدف کاهش ترافیک، جلوگیری از سد معبر و حفظ حقوق عابران پیاده، تصمیم گرفتیم محل‌های مشخصی را در حاشیه خیابان برای پارک موتورسیکلت‌ها اختصاص دهیم. در همین راستا، سه محل برای پارک موتورسیکلت‌ها در خیابان فردوسی پیش‌بینی شده است. نخستین پارکینگ در محدوده روبه‌روی بازار موبایل و دومین محل در مقابل مجتمع تجاری کیمیا ایجاد شده است؛ همچنین برنامه‌ریزی لازم برای ایجاد سومین پارکینگ در محدوده قبل از خیابان عافیت در حال انجام است. هدف از اجرای این طرح، فراهم‌کردن فضای مناسب و ایمن برای پارک موتورسیکلت‌ها، جلوگیری از توقف‌های بی‌ضابطه در پیاده‌روها و معابر و تسهیل تردد شهروندان است. امیدواریم با اجرای این طرح و همکاری شهروندان، شاهد نظم بیشتر در خیابان فردوسی، کاهش مشکلات ترافیکی و افزایش ایمنی و آسایش عابران پیاده باشیم.

پیاده‌روهای خیابان منوچهری و اطراف آن وضعیت نامناسبی دارد. چه برنامه و زمان‌بندی برای اصلاح و بازسازی آن‌ها در نظر گرفته شده است؟

مرمت پیاده‌روهای خیابان منوچهری در سبد عملیاتی پروژه‌های منطقه پیش‌بینی شده است و در صورت تصویب و طی مراحل قانونی، اجرا خواهد شد. در راستای بهسازی معابر شهری و ارتقای کیفیت پیاده‌روها، شهرداری منطقه پیاده‌روهای نیازمند بازسازی و مرمت، از جمله پیاده‌روهای خیابان منوچهری را شناسایی کرده و در قالب سبد عملیاتی پروژه‌های منطقه قرار داده است. این پروژه پس از طی مراحل قانونی و اخذ مجوزهای لازم، در صورت تصویب، در چارچوب برنامه‌های مصوب شهرداری اجرا خواهد شد.



مشکل پل فردوسی و مشکلات عبورومرور آن، سال‌هاست حل نشده؛ چه زمانی این مشکل تعیین تکلیف می‌شود؟

پروژه تعریض پل فردوسی که طی سال‌های گذشته در سبد پروژه‌های شهرداری قرار داشت، امسال به تصویب رسیده و ان‌شاءالله عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد.

در قالب این پروژه، پل فردوسی حدود ۱۸متر تعریض می‌شود؛ همچنین مطالعات و بررسی‌های اولیه، از جمله عملیات کمانه‌زنی و آزمایش‌های لرزه‌نگاری، انجام شده است. اجرای این پروژه نقش بسزایی در بهبود مدیریت ترافیک خیابان فردوسی و معابر پیرامونی خواهد داشت و می‌تواند به روان‌سازی تردد و کاهش مشکلات ترافیکی در این محدوده کمک کند.

چه تدبیری برای جمع‌آوری به موقع زباله و جلوگیری از آلودگی معابر اندیشیده شده است؟

محله چرخاب یکی از محله‌های منطقه ۳ شهرداری اصفهان است که از حجم زیادی از فضای سبز و مادی‌ها برخوردار است؛ به همین دلیل شهرداری توجه ویژه‌ای به نظافت و پاکیزگی این محله دارد و نیروهای خدمات شهری به‌صورت روزانه در این محدوده حضور پیدا می‌کنند و نظافت کوچه‌ها، معابر و مادی‌ها را انجام می‌دهند. با این حال، حفظ پاکیزگی محله تنها به اقدامات شهرداری محدود نمی‌شود و مشارکت شهروندان نیز نقش بسیار مهمی در این زمینه دارد. از شهروندان درخواست می‌شود از قراردادن زباله در خارج از نوبت خودداری کنند و مطابق جدول زمان‌بندی اعلام‌شده، با توجه به اینکه روزهای جمع‌آوری زباله در محله چرخاب روزهای زوج است، رأس ساعت ۲۳ زباله‌های خود را مقابل منزل قرار دهند. قراردادن زباله خارج از زمان تعیین‌شده باعث می‌شود خودروهای جمع‌آوری زباله آن را تحویل نگیرند و در نتیجه، شاهد انتشار بوی نامطبوع و ایجاد چهره‌ای نازیبا در محله باشیم. همچنین شهروندان در صورت مشاهده زباله‌های جمع‌آوری‌نشده در معابر و نقاط مختلف محله، می‌توانند موضوع را از طریق سامانه ۱۳۷ شهرداری اطلاع دهند تا نیروهای مربوط در اسرع وقت برای پاک‌سازی محل اقدام کنند. در مجموع، محله چرخاب با برخورداری از فضای سبز گسترده و مادی تاریخی نیاصرم، یکی از ظرفیت‌های ارزشمند محیطی منطقه۳ اصفهان به شمار می‌رود. البته وجود مادی و فضاهای سبز در برخی مواقع می‌تواند زمینه‌ساز رهاسازی زباله در اطراف این محدوده‌ها شود؛ موضوعی که ضرورت همکاری بیشتر شهروندان و توجه مستمر به پاکیزگی این فضاها را دوچندان می‌کند.

esfahan ziba online .ir



سارا حفیظی

نام‌آوران محله چرخاب

در محله چرخاب مثل بیشتر محله‌های اصفهان، عطر هنر و فرهنگ را می‌توان در کوچه‌پس‌کوچه‌ها شنید. چرخاب محله‌ای ریشه‌دار و تاریخی است که با اصالت خود، محل پرورش هنرمندان و نام‌آورانی شده که گنجینه‌ای برای آن به شمار می‌روند. هرچند بدون شک تعداد بیشتری از هنرمندان و افراد شاخص در این محله پرورش یافته‌اند، به معرفی تعدادی از آن‌ها بسنده می‌کنیم.



لطف‌الله هنرفر

لطف‌الله هنرفر در سال ۱۲۹۸ در محله چرخاب به دنیا آمد. او تاریخ‌دان، اصفهان‌شناس، باستان‌شناس، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه بود.
هنرفر از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹، ریاست اداره باستان‌شناسی اصفهان را به عهده داشت. در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه تهران دکتری تاریخ گرفت و پس از آن در دانشگاه اصفهان به تدریس تاریخ ایران پرداخت. او عضو اتحادیه جهانی ایران‌شناسان و عضو انجمن آثار ملی و شورای حفاظت آثار تاریخی اصفهان بود. اثر مهم این استاد، «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» صورت کاملی از تمام آثار تاریخی شهر و پیرامون اصفهان را با شرح مفصلی ارائه می‌دهد و جامع‌ترین کتابی است که درباره ابنیه تاریخی اصفهان به رشته تحریر درآمده. اثر دیگر او «آشنایی با شهر تاریخی اصفهان» است. هنرفر در ۹ آذر ۱۳۸۵ درگذشت.



سید محمد طاهرپور

سید محمد طاهرپور در اسفند ۱۲۹۰ در اصفهان به دنیا آمد. او خواننده مکتب آواز اصفهان بود. نام‌خانوادگی ایشان برگرفته از نام پدربزرگش، سید طاهر است. سید طاهر تویسرکانی، از روحانیون همدان بوده که به اصفهان مهاجرت کرد و به مدرسه علمیه صدر اصفهانی رفت. از او به‌عنوان یکی از خوش‌صوت‌ترین وعاظ زمان خود یاد می‌کنند. سیدمحمد خود را شاگرد سید عبدالحسین صدر اصفهانی، از وعاظ مشهور اصفهان در سده چهاردهم هجری می‌دانست. اگرچه سیدحسین طاهرزاده، خواننده صاحب‌سبک دوره قاجار، عموی ایشان بوده؛ اما طاهرپور از او به طور مستقیم تعلیم آواز نگرفت. این استاد آواز در اصفهان به استخدام بانک ملی درآمد و تا پایان عمر در این شهر ماند. طاهرپور در ۱۷ آذر ۱۳۸۳ به علت کهولت سن درگذشت. از شاگردان او یا کسانی که مستقیما محضر او را درک کرده‌اند به محمدرضا شجریان، علی‌اصغر شاهزیدی و علیرضا افتخاری اشاره شده است. آلبوم موسیقی ناشنیده‌ها شامل اجراهای خصوصی از طاهرپور در همایون، سه‌گاه و بیات ترک و کتاب «نگاهی به زندگی، آثار و آرای هنری زنده‌یاد استاد محمد طاهرپور» همراه با نسخه صوتی به کوشش نوید نوروزی، سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری اصفهان از جمله آثار مربوط به اوست.



حسن اکلیلی

حسن اکلیلی در سال ۱۳۳۲ به دنیا آمد. او کمدین و بازیگر ایرانی است که تئاترهای متعددی را در شهر اصفهان بازی و کارگردانی کرده و در سریال‌های تلویزیونی و چند فیلم سینمایی حضور داشته است. اکلیلی نخستین بار در سینما حضور یافت و سال ۱۳۶۷ در ۳۵ سالگی در فیلم «سلام سرزمین من» به کارگردانی اکبر خامین بازی کرده است. او در سال ۱۳۹۱ دوره پرتلاشی را در عرصه سینما و تلویزیون گذراند و در اثر مهمی بازی کرده است. اثر مهم اکلیلی در این سال، بازیگری در سریال «پشت کوه‌های بلند» به کارگردانی امرالله احمدجو محسوب می‌شود. او علاوه‌بر بازیگر به‌عنوان کارگردان نیز در سینما و تلویزیون فعالیت داشته است. مهم‌ترین اثر اکلیلی در حرفه کارگردان، سریال «آقای گرفتار» است. تأسیس مؤسسه سینمایی اصفهان فیلم با شماره پروانه ۴۰۲ و تبدیل سینمای حافظ به سینما تئاتر حافظ در سال ۱۳۷۱ از جمله فعالیت‌های دیگر او به شمار می‌رود.



احمد مطیع

احمد مطیع متولد سال ۱۳۵۶ در اصفهان است. او راه هنر را در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان آغاز کرد و پس از گذراندن تحصیلات آکادمیک، برای تکمیل مهارت‌های تخصصی خود در رشته نگارگری، از محضر استاد برجسته این هنر، «اکبر مصری‌پور» بهره برد. تسلط او بر تکنیک‌های مینیاتور و آبرنگ، آثارش را به جلوه‌ای از تلفیق اصالت و مهارت فنی تبدیل کرده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد کارنامه هنری مطیع، فعالیت‌های آموزشی اوست. او در سال ۱۳۷۵ و در سنین جوانی، با راه‌اندازی آموزشگاه هنرهای تجسمی «طنین» گامی مهم در جهت استمرار آموزش اصولی هنرهای تجسمی و نگارگری در اصفهان برداشت. حضور او در کسوت مدرس طی دهه‌های گذشته، زمینه آموزش و پرورش نسل جدیدی از هنرجویان و علاقه‌مندان به نقاشی ایرانی را فراهم کرده است. آثار مطیع تاکنون در چندین نمایشگاه معتبر داخلی، از جمله نمایشگاه «نگارگری اصفهان» در گالری نقش قلم، به نمایش درآمده است. در میان آثار شاخص او، تابلوی «عاشورا» جایگاه ویژه‌ای دارد. این اثر ارزشمند با ابعاد ۹۲ در ۶۳ سانتی‌متر و با بهره‌گیری از تکنیک ترکیبی گواش، آبرنگ و اکریلیک خلق شده. این تابلو برای نمایش به خارج از کشور (کانادا) نیز ارسال شده است.

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان‌زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل سید علیرضا حسینی
سردبیر محمدحسین اعتزازیان
عکس کوثر رحیمی
مدیرفنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه‌نامه زهره‌سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مریم نقیان، سارا حفیظی و اکرم کیانی
ویراستار سارا حفیظی

برای دیدن تصاویر بیشتر بارکد را اسکن کنید